

تحلیل ژئوپلیتیکی روابط ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه

دکتر عطاالله عبدی - استادیار جغرافیای سیاسی دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
دکتر یدالله کریمی پور - استاد جغرافیای سیاسی دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
دکتر عبدالرضا فرجی راد - دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.
زهرا ساعی - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۶

چکیده

ایران و ترکیه به عنوان دو کشور دارای نظام معنایی و علایق خاص و سلسله منافع مشترک و برخی تضادها هستند. عوامل گوناگونی بر روابط این دو کشور تأثیر می‌گذارد که سبب ایجاد نوساناتی در روابط دوجانبه آنها می‌شود. آنچه در این پژوهش مد نظر قرار داد بررسی روابط ژئوپلیتیکی ایران و ترکیه و فراز و فرودهای آن در دوره حزب عدالت توسعه است. روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و بر مبنای رویکرد واقع‌گرایی ژئوپلیتیکی است. علاوه بر این جهت تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق از روش AHP بهره گرفته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد روابط ژئوپلیتیکی در این دوره تحت تأثیر سه عامل رقابت، تعارض و همکاری قرار داشته است. می‌توان بیان نمود که ایران و ترکیه در سطح منطقه‌ای علاوه بر همکاری‌های گسترده در زمینه انرژی و پرونده هسته‌ای به عنوان رقیب یکدیگر مطرح هستند و هر یک در تلاش برای رسیدن به اهداف و منافع ملی خود در قالب مطرح شدن به عنوان قدرت سطح یک در منطقه غرب آسیا هستند. در نهایت نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با استفاده از الگوهای تعارض، همکاری و رقابت می‌توان سیاست خارجی متناسب با شرایط را تدوین نمود و از طریق تدوین سیاست‌های صحیح در راستای رسیدن به اهداف و منافع ملی گام برداشت.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، واقع‌گرایی، ایران، ترکیه، AHP.

۱. مقدمه

ایران و ترکیه به عنوان دو بازیگر مهم و مطرح در خاورمیانه و جهان اسلام شناخته می‌شوند که دارای پیشینه طولانی مدتی با یکدیگر می‌باشند. با توجه به اینکه کشوری به نام ترکیه تازه تاسیس بوده و دارای عمری کمتر از صد سال است، اما این کشور میراث دار امپراتوری عثمانی محسوب می‌گردد که از سال ۱۲۹۹ تا ۱۹۲۴ (۶۲۵) سال به عنوان یک قدرت بزرگ در جهان مطرح بوده است که تا عمق اروپا یعنی اتریش نیز این امپراتوری پیش رفته است. عثمانی‌ها تا پایان امپراتوری خود جنگ‌های مختلفی که دارای طیفی گوناگون از با شدت و ضعف در مقابل ایرانیان برخوردار بوده است از دوره صفویان، افشاریان و قاجاریان داشته‌اند و تعارضات بسیاری به اراضی ایران داشتند. در دوره‌های مختلف از جمله دوره صفویه، افشاریه و قاجار قراردادی بین ایران و عثمانی منعقد شد که در نهایت به ترسیم مرزهای کنونی ایران-ترکیه و ایران-عراق منجر شد. با فروپاشی امپراتوری ترکان عثمانی، ترکیه از بقایای سرزمینی و جمعیتی ترکان عثمانی به عنوان یک کشور مدرن تشکیل شد. در این دوره جدید روابط ایران و ترکیه وارد مرحله نوینی شد. روابط پهلوی با کشور ترکیه دوستانه و رو به گسترش بود. با ظهور انقلاب اسلامی ایران روابط ایران و ترکیه دچار فراز و نشیب شد. با روی کار آمدن اسلام‌گرایان به رهبری نجم‌الدین اربکان در اوایل دهه نود میلادی، روابط ایران و ترکیه بسیار نزدیک شد. از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲ که مجدداً قدرت در دست لائیک‌ها بود روابط دچار نوسان شد. اما با پیروزی حزب عدالت و توسعه اسلام‌گرا به محوریت رجب طیب اردوغان، روابط ایران و ترکیه وارد مرحله نوینی از تاریخ خود شد. در طول این سال‌های قبل از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه مسئله انرژی، بازار مصرف، گردشگری و مسئله کردها سبب نزدیکی مواضع ایران و ترکیه شده بود که در دوره جدید و با توجه ویژه حزب عدالت و توسعه به همسایگان به ویژه ایران، این نزدیکی در مواضع و همکاری‌ها بیش‌تر شد. در این بین بسیاری از متخصصان معتقدند که نظریه‌های واقع‌گرایی بهترین تبیین را از روابط و معادلات موجود در صحنه این منطقه ارائه می‌دهد. یکی از کاربردهای این نظریه استفاده از آن برای تبیین توازن قدرت موجود در منطقه و تلاش‌هایی است که برای حفظ یا تغییر آن از سوی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی صورت می‌گیرد. در بحث توازن قوای

حاکم در منطقه نیز خواهیم دید که چگونه در رقابت با یکدیگر، برای جلوگیری از هژمونی دیگری، حمایت از کنشگران خاص را مورد نظر قرار داده‌اند. البته نکته مهم و قابل توجه این موضوع است که این مولفه به معنای قصد و نیت آنان جهت محدود نمودن قدرت یا اهداف خویش به سبب نظام نمی‌باشد، بلکه آنها بیشتر به دنبال افزایش قدرت یا امنیت خود می‌باشند، اما این مسئله به گونه‌ای می‌باشد که توزیع متعادل قدرت نیز در میان آنها شکل گیرد و مورد حفاظت قرار داشته باشد (Kolae, 2016:42). در این منطقه روابط ایران و ترکیه می‌تواند در قالب توازن قوا و موازنه قدرت معنا و مفهومی در چارچوب‌های رقابتی، تعارضی و همکاری بیابد. با وجود ورود ایران و ترکیه به سطح بهبود یافته‌ای از روابط در دوره حزب عدالت و توسعه، با توجه به تهدیدها و فرصت‌ها و ضعف و قوت‌هایی که در روابط دو کشور وجود داشته و دارد و نیز اثرگذاری رخدادهای منطقه‌ای و بین‌المللی مانند تحریم ایران، تقابل ایران و غرب به محوریت آمریکا، مسئله اسرائیل، تشکیل اقلیم کردستان عراق، مسئله بهار عربی، تمایل ترکیه به گسترش حوزه نفوذ و غیره، این روابط در دوره جدید نیز دارای نوسان قابل توجهی بوده است که در این میان ما شاهد برخی مواضع بسیار نزدیک یا برخی تقابل‌های تنش‌زا و تهدیدکننده به‌ویژه از سمت ترکیه بوده‌ایم. بنابراین روندشناسی ژئوپلیتیکی روابط ایران و ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه و شرح دقیق زمینه‌های واگرایی و همگرایی در روابط این دو کشور در برهه مذکور ضروری به نظر می‌رسد. لذا در این پژوهش نگارندگان با بهره‌گیری از رویکرد واقع‌گرایی به دنبال روندشناسی ژئوپلیتیکی این دوره از روابط ایران و ترکیه و شناخت و تحلیل عوامل و زمینه‌های مذکور است.

۲. روش تحقیق

این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی درصدد تبیین روابط ایران و ترکیه براساس نظریه واقع‌گرایی ژئوپلیتیکی در دوره حزب عدالت توسعه می‌باشد. در تحقیق حاضر عوامل موثر بر تعارضات، رقابت‌ها و همکاری‌های ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت توسعه از داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی استخراج شده است و برای تعیین وزن عوامل موثر بر این تعارضات،

رقابت‌ها و همکاری‌ها از تکنیک مدل‌سازی ریاضی ای‌اچ‌پی استفاده شده است. ای‌اچ‌پی یک روش ساده محاسباتی بر پایه عملیات اصلی روی ماتریس می‌باشد که با ایجاد سلسله مراتب مناسب و پردازش گام به گام و ساخت ماتریس‌های تطبیقی در سطوح مختلف سلسله مراتب محاسبه شده است. ماتریس‌ها در قالب پرسشنامه طراحی شد و در اختیار چهار صاحب‌نظر در حوزه علمی (جغرافیای سیاسی، روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک) و سه صاحب‌نظر از مسئولین مرتبط با (علوم سیاسی، روابط بین‌المللی) با حضور محقق جهت پاسخدهی قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه‌ای گردآوری شده از روش ای‌اچ‌پی برای وزن دهی به شاخص‌ها از نرم افزار «اکسپرت چویس» که یک نرم افزار تخصصی برای تجزیه و تحلیل فرآیند سلسله مراتبی می‌باشد، استفاده شده است. جهت نمایش بهتر نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل این نرم افزار، از نرم افزار اکسل ۲۰۱۰ برای طراحی نمودارها استفاده شده است.

۳. چارچوب نظری تحقیق

۳-۱. تعریف مفهوم تعارض^۲

تعارض به وضعیت و شرایطی اشاره می‌کند که در آن یک گروه و یا مجموعه‌ای از عوامل انسانی تعیین شده، اعم از گروه‌های مذهبی، فرهنگی، زبانی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی قبیله‌ای یا قومی به دلایل تعارض و ناسازگاری واقعی یا ظاهری اهداف، منافع و ارزش‌های موجود با یک گروه یا گروه‌های انسانی معین دیگر در تضاد و تعارض قرار داشته باشند (Ghorbani Nejad, 2015:268). در واقع منازعه و تعارض به نوعی کنش متقابل و تعامل بین افراد و کشورها با یکدیگر می‌باشد که در برگیرنده مجموعه‌ای از مبارزات و تقابلات آنها با طبیعت و محیط زندگی این گروه‌ها نمی‌باشد. در واقع منازعه تعارض هنگامی نمود می‌یابد که هر دو طرف دارای تصورات و ادراک مناسبی از اختلاف بین خود داشته باشند و کوشش نمایند این اختلافات را در راستای اهداف و منافع خود حل و فصل کنند (Dougherty, 1981:297). لوئیس کوزر در این ارتباط بیان می‌کند: «مبارزه و کشمکش بر سر ارزش‌ها و مطالبه منزلت، قدرت و منابع کمیاب

1. Analytical Hierarchy Process (AHP)

2. Conflict

که در آن هدف هر یک از طرفین خنثی کردن صدمه زدن و یا نابود ساختن رقبای خویش است.» (Coser, 1956:3).

۳-۲. تعریف مفهوم رقابت^۱

در رابطه با مفهوم رقابت نظریه‌های روابط بین‌الملل در یک نگاه کلی و اجمالی به دو گروه اصلی نظریه‌های واقع‌گرا و آرمان‌گرا تفکیک می‌شوند. نظریه پردازان واقع‌گرا در این باره بیان می‌کنند آنچه هست را باید پذیرفت و به دنبال برقراری اصول اخلاقی مورد نظر خود در روابط بین‌الملل نمی‌باشند و آنها با تاکید بر وجود تفاوت‌های قابل توجه بین خیر سیاسی و خیر اخلاقی حوادث و اتفاقات را مورد بررسی قرار می‌دهند (Moshirzadeh, 2009:13). در مقابل آرمان‌گرایان در این باره بیان می‌دارند که امکان برقراری هماهنگی بین منافع حکومت‌های گوناگون امکانپذیر می‌باشد و بر تعمیم فرایندهای اخلاقی و حقوقی موجود بین کشورها به سطح روابط بین‌الملل در عرصه جهانی تاکید بسیاری دارند (Ahmadipour, 2015:30). بنابراین در این رابطه می‌توان بیان نمود که آرمان‌گرایان بر این اعتقاد هستند که با ایجاد نمودن نهادهای بین‌المللی و جایگزین کردن مشارکت عمومی و جمعی در سیاست خارجی می‌توان به صلح و امنیت دسترسی پیدا نمود. در حالیکه واقع‌گرایان بر این اعتقاد هستند که دائمی بودن رقابت و عدم امکان نابود نمودن آن در حوزه روابط بین‌الملل و وجود تعارضات بین منافع حکومت‌ها به ذات و سرشت ساختار روابط بین‌الملل برمی‌گردد و تا حدود زیادی به این عامل وابسته است (Maghroori, 1982:34). بنابراین می‌توان بیان نمود که رقابت استراتژیک رقابتی مکانی، موقعیتی و ایده‌ای را پدید می‌آورد که بین دو یا چند دولت در یک منطقه که هر یک دیگری را مورد تهدید علیه امنیت ملی خود متصور می‌شود و در نتیجه سیاست خارجی و تدافعی خود را بر این اساس شکل می‌دهد. در این بین رقابت غیراستراتژیک نیز دارای این چنین ماهیت مکانی، موقعیتی و ایده‌ای نیز می‌باشد، اما در این نوع رقابت، ما شاهد هستیم که هر یک از طرفین یا طرف‌های موجود در یک منطقه به خصوص، یکدیگر را به عنوان یک نوع تهدید علیه امنیت

ملی خود در نظر نمی‌گیرند و در نهایت بر این اساس نمی‌توان بیان نمود که سیاست‌های خارجی یا تدافعی‌شان را را نیز بر این اساس تنظیم نمایند (Rohi,2018:118).

۳-۳. تعریف و مفهوم همکاری^۱

با توجه به اینکه کارکردگرایان به مفهوم همکاری بین‌المللی تأکید بسیاری نموده‌اند در این بخش از تحقیق به صورت اجمالی به نظریات مرتبط با این اندیشمندان پرداخته می‌شود. در این ارتباط می‌توان به نظریات کارکردگرایان اشاره نمود. کارکردگرایان به صورت اصولی بر ابعاد و جنبه‌های مشارکت آمیز فعالیت‌های بین‌المللی تأکید بسیاری دارند و از ابعاد منازعه آمیز آن دوری می‌کنند. آن‌ها بر این اساس با نگرشی نوین به سیاست همکاری و عقلانیت به جهان توجه می‌کنند، نه بر اساس سیاست منازعه و دوری از عقلانیت. کارکردگرایی با نام «دیوید میترا» در ارتباط می‌باشد. از دیدگاه وی، ریشه‌های همکاری بین‌المللی در قلمروی وابستگی متقابل کارکردی مورد توجه قرار می‌گیرد و این موضوع را از این طریق باید بررسی نمود. میترا بر اجتناب ناپذیر بودن همکاری بین دولتها به دلیل مشکلات فنی بسیار و عدم توانایی سیاستمداران برای حل و فصل نمودن آن‌ها تأکید فراوانی دارد (Abdollah Khani,2004:123). فرض او بر این امر استوار است که سیاست و اقتصاد را می‌توان به عنوان دو موضوع جدا از یکدیگر مورد توجه قرار داد. براساس این دیدگاه، آن چه به اقتصاد و حیات اجتماعی مرتبط می‌گردد در عرصه «سیاست پایین و ملایم» قرار خواهد گرفت و امکان همکاری در آن سهل‌تر می‌گردد. دولتها از این طریق وارد روند همکاری می‌شوند و در حوزه سیاست ملایم نهادهایی شکل می‌گیرند که از این طریق قادر هستند تا اقتدار خود را در این حوزه‌ها به این نهادها منتقل نمایند. این همکاری سبب ایجاد زمینه همکاری‌های دیگر نیز می‌شود و این وضعیت قاعده بازی را از حاصل جمع صفر به حاصل جمع متغیر و گاهی اوقات مثبت تغییر خواهد داد (Moshirzadeh,2009:60).

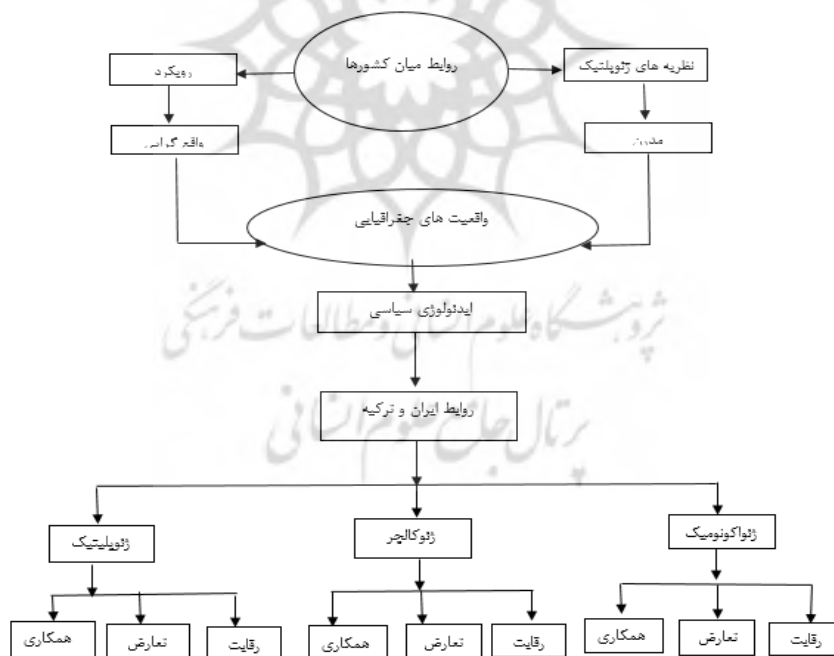
۳-۴. واقع‌گرایی ژئوپلیتیکی^۱

ژئوپلیتیک همان شاخه سیاسی علم جغرافیاست، که به صورت سنتی بر مباحث جغرافیایی مانند شکل، وسعت، جمعیت و ... متمرکز است. این مکتب به شدت مورد توجه توسعه‌طلبی‌های آلمان نازی قرار گرفته است. بنابراین تا آغاز جنگ جهانی دوم، ژئوپلیتیک‌گرایی برابر با توسعه‌طلبی قدرت‌های بزرگ پنداشته می‌شد (Eslami, 2019: 68). در این باره فلینت ژئوپلیتیک را به عنوان مفهومی معرفی می‌کند که ایده‌های جنگ، سلطه و دیپلماسی را دامن می‌زند: «ژئوپلیتیک ممارست کشورها به منظور کنترل و رقابت در راستای قلمرو می‌باشد» (Ahmadi pour, 2015: 4). مناش تشکیل رئالیزم یا واقع‌گرایی در واقع از نوعی شک محافظه‌کارانه علمی نسبت به اصول ایده‌آلیزم و همچنین آموخته‌های نامناسب تاریخی می‌باشد. به عبارتی دیگر، واقع‌گرایی به نوعی میوه بدبینی می‌باشد، نه خوشبینی، و نیز تولید‌کننده نوعی شک و تردید در عرصه بین‌المللی می‌باشد. در اندیشه واقع‌گرایی، انسان به عنوان موجودی در نظر گرفته شده است که در جستجوی منافع و اهداف شخصی خود بوده است و به همین سبب وی درگیر نوعی از روابط رقابت‌آمیز در ارتباط با دیگران می‌شود و بنابراین، آنان همواره دوست دارند که نقش اول را بازی کنند تا بتوانند از آن موقعیت استفاده کنند و همین مساله باعث می‌شود تا در ارتباط با دیگر مردم تلاش کنند تا بر آنان نفوذ و سیطره داشته باشند و از آنجا که دیگر مردم نیز چنین عمل می‌کنند، بنابراین، موضوع تسلط بر دیگران و ممانعت از سلطه دیگران، موضوعی جهانی است. از دید مورگنتا سیاست همان تلاش برای اعمال قدرت بر مردم است و از آنجایی که هدف نهایی؛ قدرت است؛ به همین دلیل برای بدست آوردن، حفظ و نمایش آن تلاش می‌کنیم و این همان تکنیک‌های اقدام سیاسی است (Morgenthau, 1965: 195). اگرچه آرمان‌گرایان از طریق خلع سلاح جهانی آرزوی تغییر نظام بین‌المللی را دارند، ولی واقع‌گرایان برای حمایت دیپلماسی نیازمند امنیت ملی و ضرورت نیروی نظامی هستند. نظریه رئالیسم به دلیل تأکید بر مسائل عینی، یکی از نظریه‌های مناسب جهت تحلیل رویکرد سیاست خارجی دولت‌ها و واکنش آنها نسبت به تحولات پیرامونشان می‌باشد. به ویژه آنکه این نظریه برای حفظ منافع ملی دولت‌ها

1. Geopolitical realism

در مناسبات آنها با یکدیگر از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد. به همین جهت، رفتار و عملکرد کشورهای خاورمیانه در مقابل تحولات منطقه‌ای، مانند بحران‌های به وجود آمده در این منطقه همچون بحران عراق، سوریه و ... از اصول دیدگاهی مرتبط با رئالیسم پیروی می‌نماید؛ این امر بدین سبب می‌باشد که وجود بازیگران گوناگون در این بحران‌ها و قرار گرفتن منافع و اهداف متعارض آنها نسب به یکدیگر، موجب تشکیل یک نوع بازی ژئوپلیتیکی شده است که در این بازی، برد یکی برابر با باخت دیگری می‌باشد. در نهایت می‌توان بیان نمود که تفاوت واقع‌گرایی ژئوپلیتیک در نظر داشتن الگوهای گوناگونی از تعارض، همکاری و رقابت در مقایسه با سایر واقع‌گرایی‌های موجود است. بنابراین توجه به این نظریه برای تحلیل نوع روند و روابط متقابل ایران و ترکیه در بازی‌های ژئوپلیتیکی منطقه خاورمیانه از اهمیت فراوانی برخوردار است.

شکل (۱): نمودار مدل مفهومی تحقیق



(منبع: نویسندگان: ۱۳۹۸)

۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱. بنیادهای ژئوپلیتیکی ایران و ترکیه

۴-۱-۱. رقابت ایران و ترکیه در سوریه: سال‌های متمادی است که کشور ترکیه از روابط شکننده با سوریه برخوردار است.

در عین حال ما مشاهده نموده‌ایم که با روی کار آمدن دولت حزب عدالت و توسعه این کشور از روابط نسبتاً دوستانه‌ای با سوریه برخوردار شده است. دولت بشار اسد نیز در این ارتباط کوشش نموده است تا اختلافات در دوره‌های قبلی را مورد حل و فصل قرار دهد و از گسترش این اختلافات دوری نماید. این نکته قابل توجه است که سوریه و ترکیه دارای یک سلسله اختلافات بر سر مسائلی از جمله: فعالیت‌های سیاسی کردها در سازمان پ.ک.ک.، چگونگی تقسیم آب فرات و استان اسکندرون بوده‌اند. در ارتباط با استان اسکندرون می‌توان بیان نمود که این استان در سال ۱۹۳۹ برابر با شروع جنگ جهانی دوم از سمت کشور استعمارگر فرانسه به ترکیه واگذار گردید، اما در این بین سوریه همچنان اسکندرون را به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از سرزمین خود دانسته است. از سویی دیگر ترکیه در سوریه به دنبال تشکیل دولتی با رویکرد و دیدگاهی سنی و اخوانی بوده است. حزبی که در ترکیه قدرت را به دست گرفت و از نظر اندیشه‌ای و نگرشی از گروه‌های اخوانی جریان اندیشه سیاسی اهل سنت محسوب می‌گردد. حماس در فلسطین، اخوان در مصر و حزب عدالت و توسعه در ترکیه به عنوان شاخه‌های اخوانی در این کشورها فعالیت می‌کنند. بنابراین، رجب طیب اردوغان، محمد مرسی، و خالد مشعل تحت عنوان سه شخصیت مهم و اصلی جریان اخوانی منطقه غرب آسیا در برهه‌ای از تاریخ دارای روابط نزدیک با یکدیگر بوده‌اند (Idiz, 2013). این موضع نشان‌دهنده این امر است که، ترکیه برای تبدیل نمودن خود به یک قدرت منطقه‌ای در پی این موضوع است که کشورهایی را هم جهت با اهداف، منافع و برنامه‌های خود در منطقه شکل دهد. کشور ترکیه با شروع شدن بحران سوریه، تلاش نمود تا از گروه‌های تروریستی و افراط‌گرای سوریه از جمله داعش حمایت نماید. پس از آنکه داعش به عنوان گروهی تروریستی در عرصه جهانی و بین‌المللی مطرح شد، ترکیه در برخورد با این موضوع ترجیح داد مواضع رسمی خود را دچار تغییر و تحولاتی نماید.

تا کنون ما ملاحظه نموده‌ایم که اولویت راهبردی ترکیه سرنگون نمودن دولت سوریه بوده است و اقدامات علیه داعش را در راستای جدی شدن احتمال حملات تلافی جویانه تروریستی این گروه در خاک سوریه و در نتیجه قدرتمندتر شدن دولت سوریه در نظر گرفته است. بنابراین تمام تلاش خود را برای حمایت و عدم سرنگونی این گروه به کار بسته است. همچنین، داعش به عنوان دشمن دولت سوریه همچنان تأمین کننده منافع ترکیه در منطقه می‌باشد. در ارتباط با کردها نیز سیاست ترکیه جلوگیری نمودن از قدرت‌یابی کردهای سوریه می‌باشد که در ائتلافی نانوشته با دولت سوریه در ارتباط می‌باشند به ویژه آنکه به طور کلی دولت ترکیه به عنوان یک مخالف جدی در قدرت‌یابی کردهای منطقه می‌باشد (Yeşiltaş, 2015:19). ترکیه دارای حدود ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک با سوریه می‌باشد. نزدیکی جغرافیایی و قرار داشتن ترکیه در مرکز و هسته بحران سوریه به علت هجوم ۳۶۰۰۰ آواره سوری به این کشور و تهدید شدن خطوط مرزی این کشور با سوریه به علت حجم بالایی از آتش در و بدل شده می‌باشد. همچنین می‌توان بیان نمود که تغییر و تحولات در سوریه به صورت مستقیم، منافع و امنیت ملی کشور ترکیه را مورد هدف قرار داده است. تحریک نمودن مخالفان این کشور از جمله کردها توسط سوریه، بحران‌های بسیاری را برای امنیت این کشور پدید آورده است. اردوغان در تاریخ ۲۶ ژوآلی ۲۰۱۲، بیان نمود که بشار اسد به کردهای مخالف ترکیه یک استان را اختصاص داده است تا علیه این کشور وارد عمل گردند؛ و از سویی دیگر، تلاش چندین ساله ترکیه برای ملحق شدن به اتحادیه اروپا را نابود سازد؛ چرا که وجود بحران در مرزهای ترکیه، به منزله پدید آمدن بحران و تنش در مرزهای اتحادیه اروپا در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین اتحادیه اروپا که از گذشته تاکنون با خوش بینی نسبت به مسئله امنیت در ترکیه برخورد نموده است، هم اکنون ورود ترکیه به اتحادیه اروپا را وابسته به برقرار نمودن آرامش و امنیت در مرزهای خود دانسته است. در این بین، ایران فاقد اینگونه معضلات و کشمکش‌ها می‌باشد؛ بنابراین با خالی راحت‌تر نسبت به کشور ترکیه، به بحران سوریه توجه دارد. همین تفاوت در میزان تأثیرپذیری دو کشور از بحران سوریه، موجب کشمکش و تقابل بین آنها شده است. از سویی دیگر، سوریه برای ایران به عنوان یک پل ارتباطی برای مقاومت محسوب می‌گردد. سوریه به عنوان یک راه دسترسی مناسب برای

ایران جهت کمک به لبنان و فلسطین در نظر گرفته شده است تا سبب تقویت محور مقاومت علیه توسعه طلبی ارضی رژیم صهیونیستی شود و تا حدی فشار غرب بر ایران را کاهش دهد. عدم درک این تفاوت‌ها و همچنین تفاوت در نگرش و به عبارتی دیگر، عدم داشتن نگاهی واقع بینانه به مسئله اثرگذاری بحران در سوریه، باعث تقابل و کشمکش بین دو کشور شده است؛ بنابراین در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب مواضع دیپلماتیک سیاستمداران دو کشور تحت تاثیر این بحران خواهند بود (Ahmadian, 2016).

۴-۱-۲. رقابت ایران و ترکیه در عراق: کشور ترکیه همواره به عنوان یکی از کشورهای بوده است که تبعات سرنگونی صدام در کشور عراق را نپذیرفته است و با مطرح نمودن ادبیات مرتبط با دولت فراگیر در این کشور، به صورت عملی نشان داده است که نتایج انتخابات و برتری عددی به نفع شیعیان تحت نفوذ ایران را نپذیرفته است. با وجود اینکه در سال ۲۰۰۸ آنکارا و دولت نخست نوری مالکی برای ایجاد شورای عالی همکاری راهبردی و بسط تجارت دو جانبه و گفت و گوی سیاسی بین دو پایتخت موافقت کردند و روابط دو کشور در مسیر امیدوار کننده‌ای قرار داشت. اما مشکلات در سال ۲۰۱۰ و در پی انتخابات مجلس عراق و تعیین نخست وزیر بالا گرفت. در واقع این موضوع آغاز جرقه تغییر نگاه ترکیه به ایران بود. در این انتخابات اولویت ترکیه حمایت از ائتلاف العراقیه به رهبری ایاد علاوی بود و ایران از ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری مالکی حمایت می کرد. نخست وزیری دوباره نوری مالکی نزاع تازه ای را میان ایران و ترکیه در تحولات عراق موجب شد و روابط بغداد-آنکارا را نیز متشنج نمود. با خروج نیروهای آمریکایی از عراق در دسامبر ۲۰۱۱ عملیات بعثی زدایی در بغداد شدت گرفت و کسانی مانند صالح المطلق و رفیع العیسوی که مواضع نزدیکی به ترکیه داشتند خلع سلاح شدند. در این میان دولت مرکزی عراق طارق الهاشمی معاون رئیس جمهوری طالبانی را به اتهام بمبگذاری دست داشتن در اقدامات تروریستی تحت تعقیب قرار داد وی نیز پناهنده ترکیه شد. این موضوع باعث شد تا تنش شیعی-سنی بین دو کشور شدت گیرد و اردوغان ایران را به حمایت از بغداد و مالکی را به فرقه گرایی و تبعیض میان اهل تسنن عراق متهم کند (Yegin & Ozertem, 2013). از سال ۲۰۱۰ نیز به دلیل ادامه یافتن جنگ داخلی در کشور عراق و سوریه و قدرت

گرفتن داعش در سال ۲۰۱۴ تهدیدات بسزایی علیه شیعیان و همچنین شیعه هراسی در ترکیه به طور فزاینده‌ای به وجود آمد که البته این عامل به اندازه اختلافات در دوره عثمانیان نبوده است. اما در عین حال طی سال‌های اخیر برنامه‌ها و تبلیغات وسیعی در این کشور در جهت ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی و همچنین فارس و ترک و کوشش برای افزایش نفرت نسبت به کشور ایران انجام شده است. به عنوان مثال می‌توان اشاره نمود که در سال ۲۰۱۴ تعدادی از مساجد شیعیان در استانبول که تحت نظر اداره امور مذهبی کشور ترکیه نبود مورد حملات متعددی قرار گرفت و باعث ایجاد خسارات قابل توجهی شد (Park, 2014). علاوه بر این موضوع، بازتولید هویت گرایی رقابتی بین تهران و آنکارا در کشور عراق موضوعیت قابل توجهی یافته است و از عواقب آن می‌توان به ایجاد زمینه جهت ظهور و تشکیل الگوهای از تعارضات رقابتی در دستور کار سیاستمداران اشاره نمود. نکته مهم در این زمینه بازگشت اهمیت عراق در روابط و تعاملات دو جانبه و منطقه‌ای تهران-آنکارا می‌باشد که از جایگاه و موقعیت بسیار مهمی برخوردار شده است که بلافاصله در سال ۲۰۱۱ یعنی در حدود یک سال بعد از اختلاف در کشور در ماجرای انتخابات ۲۰۱۰ در عراق ترکیه تلاش نمود تا ناکامی خود در این انتخابات را در سوریه با ایران جبران نماید (Rezaei, 2016:2).

۳-۱-۴. رقابت در زمینه دفاع از اسلام و حماس: کشور ترکیه خود را به عنوان یک حامی مهم و قابل توجه در منطقه می‌داند و یکی از کشورهایی که در افکار عمومی جهان اسلام و عرب به صورت پیوسته مورد ظلم و ستم قرار گرفته است کشور فلسطین می‌باشد و ترکیه به عنوان مدافع منطقه به صورت قابل توجهی باید از این موجودیت پدید آمده در منطقه دفاع نماید. همچنین این کشور به عنوان یک الگویی می‌باشد که قادر است از طریق دفاع نمودن از فلسطین در بین مسلمانان محبوبیت قابل توجهی را بدست آورد. در ضمن در ارتباط با این موضوع دیدگاه و نگرش ضد اسرائیلی می‌تواند برای این کشور به عنوان یک مزیت تلقی گردد که ترکیه را در ارتباط با غرب مستقل‌تر نمایش دهد. حماس به سبب برخوردار بودن از اهمیت نمادین به عنوان یکی از مهمترین محورهایی می‌باشد که ترکیه قادر است با ایران جهت نفوذ منطقه‌ای به رقابت گسترده‌ای بپردازد. با توجه اینکه هم اکنون برخلاف دهه‌های گذشته تقریباً همه کشورهای

خاورمیانه موجودیت رژیم صهیونیستی را به صورت دو فاکتور مورد قبول قرار داده‌اند اما همچنان در اختیار داشتن یک گفتمان جهت حمایت از فلسطین و تقابل با ظلم و ستم یهودیان به عنوان یکی از پایه‌هایی در نظر گرفته شده است که یک رهبر جهان اسلام باید از آن به صورت قابل توجهی بهره‌مند گردد. بنابراین برخورداری از نقش «حامی فلسطین» بودن ایران از جانب ترکیه در دهه‌های اخیر مورد تهاجم قرار داشته است و ترکیه از این منظر قصد دارد با کنترل نمودن حماس این نقش را به صورت منحصر به فرد در خود به وجود آورد. و این موضع سبب شده است تا رقابت گسترده‌ای میان ایران و ترکیه ایجاد گردد. در این بین ترکیه قادر شده است تا در برهه‌ای کاملاً حساس و سرنوشت ساز حماس را به خود جذب نماید و آن را در مقابل و تقابل با جمهوری اسلامی ایران قرار دهد. به نظر می‌رسد که ترکیه تا حدودی نیز در این زمینه موفق عمل نموده است. یکی از نمودهای این مسئله در اساس نامه جدید حماس قابل مشاهده است. در این اساسنامه حماس اعلام نموده است که این گروه به عنوان یک نیروی انقلابی مداخله گر نمی‌باشد. همچنین حماس موجودیت اسرائیل را نپذیرفته است و خواستار تشکیل دولت در چارچوب مرزهای ۱۹۶۷ است. در مجموع می‌توان بیان نمود که در دوره حزب عدالت و توسعه ترکیه در ماجرای فلسطین قصدی جهت همکاری و هماهنگی با ایران را ندارد بلکه قصد دارد جایگزین ایران در رابطه با رهبری حمایت از فلسطین باشد و به نوعی رهبر «محور مقاومت سنی» خود را معرفی نماید. بنابراین اختلافات ترکیه و ایران بر سر مسئله حماس و فلسطین به عنوان یک مصداقی قابل توجه از نقش مدافع جهان اسلام می‌باشد که هر دو کشور به دنبال این موضع هستند که این نقش را خود به صورت منحصر به فردی بر عهده گیرند (Niakoui, 2017: 34).

۴-۱-۴. تعارضات بر سر گسترش حوزه نفوذ: خلیج فارس به عنوان یکی از مهمترین حوزه‌های ژئوپلیتیکی ایران پس از کشور عراق محسوب می‌گردد. در این کشور ترکیه به صورت رسمی از سال ۲۰۰۸ با امضا نمودن پیمان راهبردی سیاسی، اقتصادی و امنیتی با شورای همکاری خلیج فارس ورود خود به این حوزه را رسمیت بخشید. در نوع خود این پیمان، به عنوان نخستین پیمان بین شورای همکاری خلیج فارس و دولت‌های دیگر منطقه در نظر گرفته شده است. از

سویی دیگر، نگرش جمهوری اسلامی ایران از بستن این پیمان، تمایل این شورا جهت ایجاد نمودن نوعی توازنی راهبردی با انگیزه تقابل و کنترل نمودن کشور ایران در منطقه بوده است. همین امر سبب شده است تا حدود زیادی ایران از اقدامات و عملکرد ترکیه در خلیج فارس نگران گردد. در واقع به نظر می‌رسد این نگرانی تهران منطقی می‌باشد، زیرا از دیدگاه کشورهای عربی در حوزه خلیج فارس، همکاری راهبردی با کشور ترکیه آنها را قادر می‌سازد تا به تعادل قدرت ایران در منطقه خلیج فارس یاری رسانند. برای رسیدن به این هدف راهبردی کشورهای عربی حاضر در منطقه حوزه خلیج فارس عضویت ترکیه را به عنوان یک عضو ناظر در اتحادیه عرب، و همچنین حمایت از کوشش‌های این کشور در راستای میانجیگری بین سوریه و اسرائیل و تقویت نمودن همکاری با ناتو را مورد توجه وافر قرار داده‌اند (Guzansky, 2011:7). از جمله تعارضات منفعتی دیگر بین تهران آنکارا که در نتیجه حوزه نفوذ در کشورهای عربی پدید آمده است می‌توان به بحران بحرین اشاره نمود. کشور ترکیه تلاش نموده است تا در این بحران به ایفای نقش میانجیگری جهت مهار نمودن این بحران بپردازد. بنابراین موقعیت رسمی ترکیه از سه عنصر و مولفه اصلی و بنیادین تشکیل شده است: حفاظت از امنیت و ثبات موجود در منطقه خلیج فارس، احترام گذاشتن به اصل حاکمیت و تمامیت ارضی کشور بحرین و تشویق نمود کشور بحرین جهت انجام اصلاحات سیاسی گسترده. در این ارتباط می‌توان ملاحظه نمود که با استقرار نیروهای سپر شبه جزیره عربستان در بحرین، تعارض دیدگاه‌ها و نگرش‌های موجود بین تهران آنکارا در دوره حزب عدالت توسعه به وضوح قابل مشاهده بود. در این بین جمهوری اسلامی ایران این اقدامات و عملکردهای کشور ترکیه را به عنوان نوعی مداخله نظامی در نظر داشت، در حالی که ترکیه تنها به هشدار در مورد افزایش درگیری و تنش در منطقه اکتفا نمود و درخواست نمود تا مقامات بحرینی در مقابله با این بحران خویشتنداری داشته باشند. این موارد به وضوح نشان دهنده این است که با ادامه انقلابها در کشورهای عربی روابط بین تهران آنکارا تا حد بسیاری می‌تواند دچار تغییر و تحولات گسترده‌ای گردد. از سویی دیگر می‌توان مشاهده نمود که در دوره حزب عدالت و توسعه کشور ترکیه تلاش نموده است تا با برقرار نمودن روابط وارد عرصه سیاسی لبنان گردد (Bolme, 2009:25). در این بین آنکارا تلاش نموده است تا میزان

نفوذ ایران در لبنان را از طریق ایجاد نمودن روابط متوازن و متعادل با احزاب گوناگون لبنان به میزان قابل توجهی کاهش دهد؛ همچنان که این موضع را می‌توان در سفر اردوغان به لبنان که در مدت کوتاهی بعد از سفر احمدی نژاد به این کشور، انجام شد ملاحظه نمود. بنابراین به نظر می‌رسد حضور ترکیه در عرصه سیاست داخلی کشور لبنان چندان با موفقیت روبرو نبوده است و همچنان ما شاهد این موضع هستیم که در دوره حزب عدالت توسعه نفوذ جمهوری اسلامی در این کشور بسیار بیشتر از سایر کشورهای منطقه بوده است. در ارتباط با نفوذ ترکیه در دوره حزب و عدالت توسعه در فلسطین می‌توان بیان نمود که این نفوذ به ویژه پس از حمله اسرائیل به نوار غزه آشکارتر شده است. این اتفاق، سبب ایجاد اعتراض اردوغان در سال ۲۰۰۹ در مجمع جهانی اقتصاد در داووس در میزگردی با شیمون پرز گردید. در پی این اعتراض اردوغان، اسرائیل اقدام به حمله به کشتی حامل کمک‌های بشردوستانه ترکیه به نوار غزه شد. بنابراین با توجه به نفوذ ترکیه در فلسطین، این انتظار را می‌توان داشت که = روابط بین دو کشور در دوره‌های آتی به صورت قابل توجهی تحت تاثیر این مولفه قرار گیرند (Masoudnia, 2012: 158).

۴-۱-۵. تعارضات در حوزه تعاملات دیپلماتیک: چندین دهه است که سیاست خارجی ترکیه تحت تاثیر وابستگی شدید به غرب قرار گرفته است و این سیاست در فضای راهبردی سازه غرب تعریف شده است. ترکیه در عملکردها و اقدامات خود دارای هیچگونه ابتکار عملی در حوزه مرتبط با خود و به‌ویژه در منطقه خاورمیانه نداشته است؛ تا جایی که هویت منطقه‌ای ترکیه در این بین با چالشی اساسی و بنادین روبرو شده است. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، سیاست خارجی غربگرا و تک بعدی این کشور، به سیاستی چند جانبه‌گرا و چند بعدی مبدل شده است (Falah, 2013: 5). در دوره کنونی، کشور ترکیه در کنار اسرائیل همچنان به عنوان یکی از مهم‌ترین هم پیمان آمریکا در منطقه خاورمیانه می‌باشد (Hosseini, 2014: 78). داوطلب شدن این کشور در راستای پذیرفتن استقرار سپر موشکی، همراهی نمودن با ناتو در حمله به لیبی، فشار آوردن و تهدید نمودن سوریه، نمونه‌های بارز و قابل توجهی از وفاداری به این هم‌پیمانی می‌باشد. درک مفهوم راهبردی عضویت در ناتو و هماهنگی و همکاری آنکارا در

زمینه‌های گوناگون با ایالات متحده آمریکا از جایگاه ویژه این کشور در جهت تدوین و اتخاذ نمودن سیاست‌های راهبردی ترکیه حکایت دارد (Zanotti, 2012: 28).

۴-۱-۶. همکاری امنیتی: بعد از دهه ۱۹۹۰ و با دستگیری عبدالله اوجالان، رهبر پ.ک.ک.ک. سطح همکاری‌های امنیتی بین ترکیه و ایران در اوایل دهه ۲۰۰۰ به صورت قابل توجهی افزایش یافت. طی دیدار اسماعیل جم، وزیر امور خارجه پیشین ترکیه از تهران ایران تاکید نمود که پ.ک.ک.ک. را یک سازمان تروریستی در نظر گرفته شود. متعاقب آن تماس‌های استراتژیک در سطح بالا از طریق برگزاری جلسات کمیسیون عالی همکاری‌های امنیتی ایران و ترکیه و در کمیته مشترک امنیتی ادامه پیدا نمود. حمله به کشور عراق در سال ۲۰۰۳ موجب نزدیک شدن دو کشور در حوزه امنیتی گردید. زیرا در سرنگونی حکومت مرکزی و خلا قدرتی که از آن منشا گرفته بود هر دو کشور را از تجزیه عراق نگران نمود زیرا این موضوع می‌توانست به عنوان الگویی و نشانه‌ای برای تجزیه طلبان کرد ایرانی و ترک محسوب گردد و از سویی دیگر هم نگرانی از ایجاد یک دولت مستقل کردی را ایجاد نموده بود که از موجب تجزیه و جدایی بخشی از سرزمین‌های ایران و ترکیه شوند. در سال ۲۰۰۴ منافع امنیتی ایران در مهار نمودن تجزیه طلبان کرد افزایش یافت زیرا در این سال پژاک تحت عنوان شاخه‌ای از پ.ک.ک.ک. تاسیس گردید و شروع به مبارزه علیه جمهوری اسلامی ایران کرد. بنابراین ایران و ترکیه در سال ۲۰۰۴ یک موافقتنامه در زمینه همکاری‌های امنیتی امضا نمودند و در این موافقتنامه بر تعهد مشترک جهت افزایش امنیت منطقه‌ای تاکید بسیاری نمودند. در آوریل ۲۰۰۸ با تشکیل دوازدهمین نشست کمیسیون عالی امنیت ترکیه-ایران تحولی در تحکیم همکاری‌های امنیتی دو کشور به وجود آمد. قبل از این جلسه یک مقام ایرانی بیان نمود که ایران پ.ک.ک.ک. و حزب آزاد کردستان را به عنوان یک سازمان تروریستی با دو نام متفاوت در نظر گرفته است. همچنین دو کشور آغاز به هماهنگ کردن اقدامات و عملکردهای اطلاعاتی گسترده مشترک خود علیه پ.ک.ک.ک. و پژاک نمودند (McCurdy, 2008: 8).

۴-۱-۷. همکاری در زمینه مسئله کردی: در روابط دو کشور در دوره حزب عدالت و توسعه یکی از موضوع‌های مهم و محوری، توجه به مسئله کردها و فعالیت‌های آنان از یکسو و وجود

بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از سوی دیگر می‌باشد که در راستای بهره‌برداری از این تلاش‌ها در جهت تأمین نمودن اهداف و منافع ملی خود بهره‌برداری سیاسی می‌نمایند. مسائل کردها بر روابط ایران و ترکیه با سوریه هم تأثیر داشته است. در سال ۱۹۷۹ پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، با رویکرد محتاطانه ترکیه نسبت به کشور مواجه گردید (Özdamar, 2010: 101). در سپتامبر ۱۹۸۰ حمله عراق به ایران سبب افزایش نگرانی‌های ترکیه شد. در این دوره با توجه به آشفتگی وضعیت سیاست داخلی ترکیه، نیروهای نظامی بدون شک قصد داشتند تا اقدام‌های احتیاطی لازم را در این خصوص انجام دهند، در تمام استان‌های کردنشین حکومت نظامی برقرار نمایند و در مقابل آشوب و تنش ایستادگی کنند. حکومت نظامی ۱۹۸۰ تا 1983 موجب افزایش توانایی حکومت در سرکوب نمودن حرکت‌های اسلامی و نیز پ.ک.ک. گردید و از سویی دیگر سبب شد تا امکان مبارزه با تبلیغات اسلامی فراهم شود. نگرانی اصلی و مهم دولت ترکیه این موضوع بود که بغداد دیگر توانایی اداره شمال عراق را دارا نباشد و حزب دموکرات کردستان عراق یا اتحادیه میهنی کردستان یا هر دو با پ.ک.ک. همکاری گسترده‌ای داشته باشند: پ.ک.ک. در سال‌های اولیه جنگ در شمال عراق و شمال ایران پایگاه زده بود. حزب دموکرات کردستان و پ.ک.ک. موافقتنامه‌ای موسوم به «اصول همبستگی» امضا و توافق کرده بودند علیه دشمن مشترک همکاری کنند. در مجموع می‌توان گفت پس از انقلاب اسلامی، روابط دو کشور ایران و ترکیه در کشاکش تنش و همکاری‌های تاکتیکی قرار گرفته است. در جریان نزدیک شدن کردهای ترکیه به دولت این کشور و نیز بروز بحران سوریه و عراق، ترکیه تلاش کرد موضوعات مرتبط با کردها را مستقل و جدای از جمهوری اسلامی ایران حل و فصل نماید. به طوری که با کردهای کشور خود به توافق برسد و بدین وسیله حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری بارزانی فعالیت‌های برون‌مرزی پ.ک.ک. را تحت کنترل خود قرار دهد و با حضور داشتن در سوریه به عنوان مانعی مهم در اتصال سه کانتون کردنشین در سوریه به یکدیگر عمل نماید. با شکست مذاکرات ترکیه و پ.ک.ک. و فشار بر احزاب و جریانات کردی در ترکیه و تغییر فضای نظامی و امنیتی و سیاسی سوریه به نفع ایران، این کشور بار دیگر سیاست‌های خود را بر مهار نمودن کردها در بیرون مرزها و در همکاری با ایران قرار داد. در دوره حزب عدالت توسعه

به صورت کلی مسئله کردی به عنوان یک تهدیدی علیه امنیت هستی‌شناسی و مادی کشورهای ترکیه و ایران می‌باشد که این تهدیدات بیش‌تر متوجه ترکیه است. چرا که بیش‌ترین جمعیت کردنشین در ترکیه حضور دارد و ترکیه دارای مرز با دو جمعیت کرد عراقی و سوریه است و دارای اشتراکات فرهنگی و قومی نیز با کردها نیست. اما ایران روابط متفاوتی با کردهای خود دارد و کردهای ایران تمایل چندانی به جدایی از ایران ندارند و به واسطه اقوامی که به لحاظ زبانی و قومی و تباری به آن‌ها نزدیک هستند به مرکز پیوند خورده‌اند. اما مسئله استقلال‌خواهی کردها تمامیت ارضی و مرزی ایران و ترکیه را در هر صورت تهدید می‌کند و ادامه بحران در مناطق کردی عراق و سوریه می‌تواند سبب تسری تحرکات جدایی‌طلبانه در بین کردهای ترکیه و تا حدودی کردهای ایران و حتی سرایت آن به سایر اقوام در این کشورها بویژه ایران (با توجه به تعدد اقوام عرب، بلوچ، ترکمن و ...) شود. از این‌رو دو کشور دارای نگرانی از تهدید امنیت هستی‌شناسی و مادی خود بوده که در ابتدای انقلاب اسلامی ایران مسئله کردی سبب چالش در روابط آن‌ها شد اما بعدها این مسئله به عنوان تهدیدی مشترک نگریسته شد. در برهه کوتاهی در سال‌های بحران سوریه، ترکیه سعی نمود این مسئله را مستقل از ایران پیگیری نماید اما در نهایت مجدداً مسئله کردها به زمینه مشترکی برای همکاری دو کشور مبدل شد.

۲-۴. بنیادهای ژئواکونومیک روابط ایران و ترکیه

۲-۴-۱. تعارضات هیدروپلیتیک: کشور ترکیه با توجه به فزونی در رشد و توسعه اقتصادی نیاز فراوانی به منابع آبی دارد بنابراین با استفاده از موقعیت بالادستی خود در حوزه رودهای مرزی در تلاش جهت بهره‌برداری هر چه بیشتر از منابع آبی حوزه‌های مشترک می‌باشد. به عنوان مثال می‌توان بیان نمود که ترکیه، ایران، سوریه و عراق کشورهای حوزه ورد دجله می‌باشند. بیشترین آب دجله از کوه‌های ترکیه که در بالادست رود قرار دارد سرچشمه گرفته است که ۷۸/۱ آن را در بر می‌گیرد و سالانه حدود ۶۵/۷ میلیارد متر مکعب آب تولیدی دارد. در این بین، ایران نقش مهم و قابل توجهی در تامین نمودن آب رود دجله برعهده دارد و در حدود ۱۳/۳ درصد آب این رودخانه از رشته کوه زاگرس سرچشمه گرفته است. در واقع ۱۹ درصد از مساحت رود دجله در کشور ایران قرار گرفته است که بعد از کشور عراق و ترکیه در رتبه سوم قرار گرفته

است (Mohammadi, 2013). با توجه به سرچشمه گرفتن دو رود زاب کوچک و دیاله از ایران و جریان سایر رودخانه‌ها از دامنه‌های غربی رشته کوه‌های زاگرس در کشور ایران (۲۵ رودخانه) که سالیانه در حدود ۹/۷ میلیارد متر مکعب از آب‌های سطحی این کشور را به دجله و حوضه آبریز آن سرازیر می‌نماید، می‌توان بیان نمود که درصد قابل توجهی از آب رود دجله از منابع آب‌های سطحی ایران تامین می‌شود (Nahazi, 2000: 71). بر این اساس می‌توان مشاهده نمود که در حدود یک پنجم آبهای جریان یافته در حوضه آبریز رود دجله مرتبط با آب‌های سطحی سرازیر شده از ایران می‌باشد. ساخت و ساز سد آتاتورک از سوی دولت ترکیه و سد الثوره از سوی دولت سوریه و سایر طرح‌های توسعه منابع آب در این منطقه، معضلات قابل توجهی را برای ایران و عراق پدید آورده است و بخش قابل توجهی از مسأله امنیت ملی این دو کشور را در بر گرفته است و مسلط شدن بر رودخانه‌های دجله و فرات با بهره‌گیری از علم ژئوپلیتیک، کشور ترکیه را در این زمینه قادر کرده تا حد بسیاری نگرش‌های خود را به کشور و دولت عراق تحمیل نماید (Sadeghi, 1998: 200). و از این رو ایران را در شرایط بحرانی قرار داده است. با این وجود این شرایط، کنترل نمودن آب‌های خروجی از ایران از حساسیت بسیاری برخوردار می‌باشد. در این میان جمهوری اسلامی ایران به رغم عدم دسترسی مناسب به رودخانه‌های دجله و فرات در راستای بهره‌برداری، به شدت تحت تاثیر کاهش حجم دبی این رودخانه‌ها قرار گرفته است و مشکلات و معضلات مرتبط با این موضوع به صورت افزایش ریزگردها نمود یافته است. به عنوان مثال در ارتباط با سد ایسلو می‌توان بیان نمود که یکی از آثار احتمالی و قابل توجه ناشی از بهره‌برداری این سد، ایجاد و گسترش گردوغبار و ریزگردها خواهد بود که تاثیرات بسیار نامطلوبی را بر کشورهای همسایه از جمله جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت. نخستین بار در سال ۱۳۸۲ گردوغبار بزرگی در ایران رخ داد ولی تا زمان کنونی ۲۰ استان کشور به خصوص استان‌های غربی و جنوب غربی با این بحران با شدت بیشتری از گذشته تاکنون مواجه شده‌اند. بنابراین باید انتظار داشت که دولت ترکیه جهت جلوگیری نمودن از افزایش احتمالی پدیده ریزگردها در کشورهای همسایه در نتیجه بهره‌برداری از سد ایسلو اصول و قوانین معینی از حقوق بین‌الملل در زمینه محیط زیست را مد نظر قرار داده است. از سویی دیگر وضعیت مردم

تحت تاثیر خسارات ناشی از احداث سد قرار می‌گیرد (Ronayne, 2005: 66). با توجه به اینکه افرادی با معشیت کشاورزی در مناطق مرزی عراق قرار دارند نابودی معشیت آنان سبب می‌شود تا امنیت مرزی نیز تحت تاثیر قرار گیرد (Batmaz, 2004). درگیری‌های مسلحانه و احداث مین‌های مرزی از جمله مواردی است که دولت برای کاهش مهاجران غیرقانونی به کشور و قاچاق می‌تواند انجام دهد.

۲-۲-۴. تعارضات در حوزه اقتصادی: در ارتباط با همکاری و تعارضات اقتصادی میان ایران ترکیه می‌توان بیان نمود که در تئوری و عمل اختلافات قابل توجهی میان جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در نوع نظام اقتصادی و چگونگی اداره کشور وجود دارد. کشور ترکیه دولت حمایت‌گر از نظام سرمایه‌داری صنعتی و مالی می‌باشد و در کشور ایران ما با یک دولت تحصیلدار و متحد بورژوازی تجاری مواجه می‌باشیم. ترکیه سال‌های بسیاری است که در سازمان تجارت جهانی عضویت دارد، در حالی که در جمهوری اسلامی ایران، مطرح شدن افکار ضد و نقیض از سوی طرفداران و مخالفان عضویت ایران در این سازمان و از سوی دیگر مخالفت ایالات متحده آمریکا جهت عضویت ایران در این سازمانف به عنوان مانع مهمی برای عضویت در این سازمان مطرح شده است. سیاستمداران ایران با سوء ظن به سرمایه‌ خارجی نگاه می‌کنند، در صورتی که اقتصاد ترکیه به عنوان یک اقتصاد جذب‌کننده در راستای سرمایه‌گذاری خارجی مورد توجه می‌باشد. یکی از منابع بسیار مهم درآمد ترکیه، میزان ارز خارجی می‌باشد که کارگران ترک از خارج مرزهای سرزمینی خود وارد کشور می‌کنند که البته باید رونق و توسعه در صنعت توریسم را نیز به این منبع ارزی اضافه نمود. همکاری دو کشور همسایه با توجه به اینکه اقتصاد مشابهی ندارند، اما با روند افزایشی روپرو بوده است.. حجم مبادلات اقتصادی ایران و ترکیه تا پایان سال ۲۰۱۲م. نزدیک به ۲۲ میلیارد دلار بیان شده است و براساس برنامه‌های از پیش تعیین شده تا سال ۲۰۱۵م. این رقم به ۳۰ میلیارد دلار افزایش یافته است. مبادلات تجاری ایران و ترکیه در سطح بالایی قرار دارد و ایران به عنوان یک بازار بسیار خوب جهت فروش محصولات صنعتی ترکیه در مورد توجه می‌باشد. البته به دلیل تحریم‌های اعمال شده از سوی غرب علیه ایران، صادرات فلزات گرانبها از ترکیه به ایران و واردات نفت ترکیه از ایران به میزان

نصف در سال ۲۰۱۳م. کاهش یافته بود که این موارد به صورت کلی سبب گردید در ۸ ماهه اول سال ۲۰۱۳ م. حجم روابط اقتصادی ایران و ترکیه بیش از ۷ میلیارد دلار نسبت به مدت مشابه سال قبل به صورت قابل توجهی کاهش پیدا نماید (Mokhtari Hashi, 2011: 208). با توجه به وضع شدن تحریم‌های وسیع و گسترده از سوی ایالات متحده آمریکا، ترکیه نیز به تبعیت از این تحریم‌ها مناسبات تجاری خود را با جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های اقتصادی به صورت محسوسی کاهش داده است و در بعضی از موارد نیز به تعارضاتی در این حوزه منجر شده است که این تعارضات در بخش واردات و صادرات کالاها قابل بررسی و شماهد است که در صورت ادامه یافتن این روند می‌توان شاهد تنش‌های اقتصادی میان دو کشور بود.

۴-۲-۳. هم‌کاری در حوزه انرژی: در این ارتباط می‌توان بیان نمود که در ژئوپلیتیک انرژی، رابطه بین دو کشور ایران و ترکیه به عنوان یک پل ارتباطی میان سایر کشورهای دارنده منابع غنی انرژی و اقتصادهای نیازمند انرژی، نقش محوری و بنیادینی دارد. اگرچه ایران به دلیل دارا بودن شرایط و موقعیت خاص در عرصه روابط سیاسی خود در سطح بین‌المللی و جهانی، جهت انتقال منابع انرژی به سایر کشورها با گزینه‌های محدودی مواجه بوده است اما کشور ترکیه را به عنوان یک کشور انتقالی، جزء مهم‌ترین گزینه‌های خود در نظر گرفته است (Ögütçü, 2010). بنابراین، برای ایران، ایجاد و تقویت نمودن روابط انرژی پایدار مستمر با ترکیه امری مهم و یک الزام محسوب می‌گردد (Winrow, 2004). زیرا ۱۰ درصد کل گاز صادراتی ایران از طریق ترکیه به سایر مناطق جهان منتقل می‌گردد (CBoI, 2013) و با در نظر داشتن اینکه بیش از ۱۴ درصد صادرات ایران در حوزه سوخت و تولیدات معدنی مانند نفت و گاز می‌باشد، بنابراین این مواد معدنی به عنوان یکی از مهمترین منابع جهت تامین نمودن درآمد اقتصادی ایران محسوب می‌شود (WTO, 2013) ایران به جهت اتکا داشتن بر نفت به عنوان نخستین تأمین کننده و دومین منبع گاز ترکیه (Babali, 2012) یک کشور راهبردی و مهم در راستای رسیدن به اهداف اقتصاد سیاسی این کشور در نظر گرفته می‌شود و می‌تواند گاهی اوقات از این وابستگی کشور ترکیه به عنوان ابزار سیاست خارجی به همراه سیاست تدافعی بدون نیاز به اسلحه و تنش نظامی بهره برداری نماید. وجود منابع گاز نیز به عنوان یک منبع مهم برای افزایش تنش با ایران محسوب می‌شود

و ترکیه بارها بیان نموده است که ایران موافقتنامه موجود را نقض کرده است. بنابراین با در نظر داشتن ملاحظات مورد توجه در ارتباط با روابط اقتصادی دوجانبه میان دو کشور ایران و ترکیه که با محوریت گاز طبیعی و روابط انرژی در نوع برقراری روابط اقتصادی دو کشور جریان دارد، آینده روابط این دو کشور براساس میزان سودآوری برای هر دو طرف موجب گسترش روابط اقتصادی پایدار دوجانبه می‌شود. سفرهای رؤسای جمهور کشورهای ایران و ترکیه، افق جدیدی را در روابط رو به گسترش دو کشور به نمایش گذاشته است. هر دو طرف ضمن تأکید نمودن بر پیشینه، علایق و ویژگی‌های مشترک تاریخی تأکید داشته‌اند که هر دو کشور با بهره‌مندی از سواحل طولانی، قرار داشتن در حوزه استراتژیک جهانی، و همچنین موقعیت ژئوپلیتیک منحصر به فرد خود در زمینه حمل و نقل دریایی و اقتصاد سیاسی، دارای نقش بسزایی در تغییر و تحولات منطقه می‌باشند. همچنین دو کشور در دوره حزب عدالت و توسعه بر لزوم و اهمیت متصل نمودن دریای خزر به حوزه دریای سیاه و مدیترانه با خلیج فارس و همچنین دریای عمان تأکید بسیاری نموده‌اند و خواستار برقراری اتصال در مناطق و حوزه‌های تجاری از طریق شاهراه‌های دریایی و ریلی هستند. همچنین در این دوره از حضور حزب عدالت و توسعه بر منصف قدرت ترکیه تصمیم گرفته شده است از فعالیت‌های سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو حمایت شده و همکاری‌های کشورهای عضو را از طریق افراد مهم و شاخص و همچنین انعقاد موافقتنامه‌های تجاری اکو افزایش دهند. توافق دیگر در این زمینه، فروش گاز به ترکیه و گسترش صنعت توریسم بوده است. با توجه به حجم و تعداد توریست‌های ایرانی که به ترکیه مسافرت می‌کنند، ایران از سرمایه‌گذاران ترک در خواست نموده است که در امر هتل‌سازی در ایران مشارکت نمایند و تسهیلات و امکانات لازم را در اختیار سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی قرار دهند.

۴-۲-۴. همکاری در پرونده هسته‌ای: زمینه دیگر که همکاری میان کشور ترکیه و ایران را افزایش داده است بحث پرونده هسته‌ای ایران در دوره حزب عدالت و توسعه می‌باشد. پرونده هسته‌ای ایران برای افزایش نقش آفرینی در مسایل مهم و تاثیرگذار منطقه‌ای حائز اهمیت بسیاری است. موضع‌گیری کشور ترکیه در این زمینه به عنوان یکی از بازیگران کلیدی‌ترین و مهم‌ترین در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و کاندید جهت عضویت در اتحادیه اروپا در برابر

پرونده هسته‌ای ایران و ایفا نمودن نقش سازنده و پویا در این زمینه موجب افزایش نگرانی‌های کشورهای غربی شده است. در یکی از رأی‌گیری‌های شورای امنیت در ارتباط با پرونده هسته‌ای ایران، برخلاف متحدان غربی ترکیه به همراه برزیل به قطعنامه تحریمی ایران رأی منفی داد. مخالفت ترکیه با قطعنامه تنها به دلیل داشتن حس همسایگی با ایران نبوده است بلکه هدف، اصلی این کشور نقش آفرینی در یک موضوع مهم منطقه‌ای مد نظر ترکیه قرار داشته است. در ارتباط با پرونده هسته‌ای ایران و دارا بودن نقش میانجی‌گرانه ترکیه توجه به این نکته حائز اهمیت است که ترک‌ها بیش‌تر از آن‌که به فکر حل و فصل نمودن بحران موجود باشند، بیشتر در اندیشه نمایش دادن نقش و ظرفیت‌های جدید خود در جامعه جهانی بوده‌اند. میانجی‌گری ترکیه در این زمینه به خوبی نشان داد که این کشور در دوره حزب عدالت و توسعه از فضای سنتی سیاست خارجی خود دور شده است. نقطه اوج همکاری میان دو کشور در پرونده هسته‌ای ایران را می‌توان در بیانیه تهران نیز به وضوح مشاهده نمود. میانجی‌گری ترکیه به همراه برزیل در پرونده هسته‌ای ایران که به صورت قابل توجهی از مواضع ایران در مقابل گروه ۵+۱ حمایت نمودند و با اقدام نظامی علیه ایران مخالفت آشکاری کردند و توافق ایران در آن هنگام با پیشنهاد ترکیه در ارتباط با غنی‌سازی اورانیوم در خاک کشور ثالث در نوع خود موضوعی بی نظیر در عرصه جهانی بوده است. اگرچه مخالفت بعدی ایالات متحده آمریکا با این پیشنهاد موجب تدوین و صدور یک قطعنامه با شماره ۱۹۲۹ علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران گردید. مذاکرات بعدی که در ترکیه و کاخ چراغان صوت گرفت نیز قادر نبود تا برای ایرانیها دستاورد قابل توجهی را به همراه داشته باشد. البته باید به این نکته نیز توجه نمود که در این موضوع ترکیه بیشتر از اینکه به فکر ایران و منافع و اهداف این کشور باشد، به دنبال تقویت نمودن نقش منطقه‌ای خود به عنوان یک قدرت بوده است (Mokhtari Hashi, 2011).

۳-۴. بنیادهای ژئوکالچر روابط ایران و ترکیه

۳-۴-۱. رقابت در زمینه خودمحوری ایرانی و ترکی: موقعیت خاص ژئوپلیتیکی کشور ایران موجب شده است تا در همسایگی قدرت‌ها و گروه‌های مهاجمی مانند روم و تورانی‌ها در عصر باستان قرار داشته باشند و در دوره اسلامی و نیز دوران معاصر کنونی، ایرانیان با اقوامی از جمله

ترک، عثمانی، انگلیس، روسیه و آمریکا مواجه شدند که به دلیل فضا و موقعیت با اهمیت آن همواره تلاش نموده‌اند تا دست‌اندازی بر این سرزمین داشته‌اند (Hafeznia, 2003: 14). این انگاره با نمایان شدن هرچه بیشتر موقعیت ژئوپلیتیکی و کشف منابع گاز و نفت و نیز در جریان جنگ اول و بویژه دوم جهانی که از ایران به عنوان پل پیروزی یاد شد بیش از پیش در بین ایرانیان تقویت شد. در ارتباط با ترکیه در دروه حزب عدالت توسعه نیز می‌توان بیان نمود یک دیدگاه کلاسیک اعتقاد دارد که سیاست خارجی ترکیه تا حدود بسیاری تحت تاثیر جغرافیا و موقعیت استراتژیک آن کشور می‌باشد. علاوه بر جغرافیا، سیاست خارجی ترکیه تحت تاثیر تاریخ و اقتصاد هم قرار دارد. این سه عامل، به صورت کلی به عنوان منابع و مجراهای تاریخی سیاست خارجی مدرن محسوب شده‌اند و سبب ایجاد سنت‌های رفتاری قابل توجهی در این کشور شده است. با تکیه نمودن بر این نگرش، ترک‌ها از لحاظ منطقه‌ای خود را به عنوان پُلی میان شرق و غرب و اسلام و مسیحیت در نظر گرفته‌اند و از همین رو اعتقاد دارند این کشور یک پُل تمدنی بین شایر مناطق محسوب می‌گردد. با مطالعه سیاست خارجی ترکیه می‌توان مشاهده نمود که این موضوع به «نظریه پُل» معروف می‌باشد که بنا بر آن عده‌ای بر این اعتقاد هستند که ترکیه پل بین شرق و غرب و آسیا و اروپا بوده و وظیفه دیپلماسی ترکیه میانجی‌گری و همکاری بین طرف‌های درگیر در منازعات منطقه‌ای بوده است (Gohari Moghaddam, 2016: 125). بنابراین ترکیه را همچون ایران، روسیه و مصر واقع در یک منطقه خاص در نظر نمی‌گیرند که بتواند هویت آن منطقه را به خود بگیرد؛ از این رو ترکیه باید سیاست خارجی خود را بر همین اساس تدوین نماید که قادر باشد به عنوان یک معیار و شاخص رقابتی مهمی در تقابل با ایران قرار داشته باشد (Mousaghi, 2016: 379).

۳-۲. رقابت در زمینه الگوی اسلامی ایرانی و ترکیه: در این ارتباط می‌توان بیان نمود که الگوی انقلاب اسلامی در ایران با تکیه بر مفاهیم صدر اسلام و تأکید نمون بر تشکیل حکومت اسلامی به شیوه اسلامی و نابود نمودن مفاهیم گفتمان لیبرال دموکراسی و متحد کردن مسلمانان در چارچوب امت اسلامی و گذر از مرزهای دولت-ملت‌ها که مفهومی غربی می‌باشد، هویت خود را تحت عنوان الگویی متناسب با اسلام معیار تشکیل داده است. بنابراین از دیدگاه

ژئوپلیتیکی، این الگو به دلیل دارا بودن هویت مستقل اسلامی در مقابل سایر هویت‌ها و گفتمان‌های لیبرال دموکراسی غرب و نیز نزدیکی با اسلام خالص، الگوی مناسبی و دقیقی در چارچوب جغرافیای فرهنگی و ژئوکالچر امت اسلامی در نظر گرفته شده است. الگوی انقلاب اسلامی ایران به واسطه اینکه موجب شکل دهی به محور مقاومت در برابر سایر کشورهای غربی و متحدانش شده است و از سویی دیگر سبب پویاسازی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های اعتراضی مسلمانان و بویژه شیعیان شده است موجب شکلگیری یک هارتلند فرهنگی متناسب با هارتلند انرژی جهان گردیده است که هم از دیدگاه معنایی و هویتی و هم از دیدگاه مادی و منافع در عرصه منطقه‌ای و جهانی، غرب را به چالش دعوت نموده است. در جهان امروز، الگوی اسلام‌گرایی انقلاب اسلامی موجب تشکیل یک ژئوپلیتیک چند بعدی ژئوکالچر (فرهنگ اسلامی، شیعی، انقلابی، سلطه‌ستیز و غیره)، ژئواکونومیکی (موقعیت محوری دسترسی به بازارهای انرژی و غیره، منابع انرژی و هارتلند انرژی و غیره) و سیاسی-امنیتی و ... گردیده است (Motaghi, 2014:96). در مقابل کشور ترکیه به دلیل تفاوتی که در موقعیت ژئوپلیتیکی خود با کشورهای حوزه جهان اسلام و غرب، به صورت کلی دارای ویژگی‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... در عرصه داخلی و شخصیت متفاوتی نیز در عرصه سیاست خارجی شده است. بنابراین می‌توان بیان نمود که ترکیه مطابق با این وضعیت به خصوص شرایط ژئوپلیتیکی خود و استقرار این کشور در میانه جهان غرب و اسلام با مسائل دو قلمرو سرزمینی به صورت همزمان درگیر شده است و ناچار است تا از مشارکت حداکثری در هر دو قلمرو برخوردار باشد. نزدیکی جغرافیایی ترکیه با جهان غرب و اسلام موجب گردیده تا بطور همزمان تحت تاثیر هر دو فضا قرار گیرد و شخصیتی که نتیجه تعامل بین این دو فضای ژئوپلیتیکی اسلام و غرب می‌باشد را نمایش دهد (Afzali, 2016:183). بنابراین ارائه نمودن الگوی معنایی در حد میانه دو وضعیت ناشی از وجود اسلام‌گرایی و غربی‌گرایی توسط وضعیت ژئوپلیتیکی این کشور و نیاز ژئوپلیتیکی ترکیه به هر دو جبهه غرب لیبرال و شرق اسلامی توجیه پذیر می‌باشد. این وضعیت را در درون جامعه ترکیه و همچنین در تدوین سیاست‌های بزرگترین جنبش و شبکه اجتماعی اسلام‌گرا توسط روشنفکر دینی مشهور ترکیه، فتح‌الله گولن نیز می‌توان به وضوح مشاهده کرد

(Lotfi,2010). بنابراین الگوی اسلامی- ترکی، از همان ابتدا با آگاهی از وضعیت ژئوپلیتیکی ترکیه به ارائه مدلی پرداخت که به نام‌های اسلام اعتدالی، اسلام محافظه‌کار، اسلام میانه‌رو و در نهایت به‌عنوان اسلام لیبرالی یا غربی شناخته شده است.

۳-۳-۴. رقابت در زمینه رهبری جهان اسلام: بر اساس دیدگاه و نگرش مرتبط با ام القری ایرانی، جهان اسلام به عنوان یک امت واحد در نظر گرفته شده است و کشوری است که قادر می‌باشد با شکل دادن به حکومت اسلامی سطح رهبری خود را از مرزهای سرزمینی فراتر برده و در موقعیت ام‌القری جهان اسلام قرار داشته باشد. ویژگی بنیادین و اصلی ام‌القری در این مورد است که در آن سرزمین اولاً حکومت اسلامی استقرار یافته اس و دوماً صلاحیت و گستره رهبری ام‌القری نسبت به کل امت اسلامی را باید در نظر گرفت؛ یعنی اینکه آیا این رهبری، لیاقت ولایت بر کل امت را دارا می‌باشد یا خیر (Larijani,1997:30). از نقطه نظر استراتژیست‌های جمهوری اسلامی ایران، نظریه ام‌القری راهبردی می‌باشد در راستای تبیین خط مشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی و تعیین نمودن موقعیت ایران در جهان اسلام که برای نخستین بار از سوی محمدجواد لاریجانی در دهه ۱۳۶۰ مطرح گردید (Farhi,2004:260). از دیدگاه مبدعان این نوع راهبرد و ستراتیژی، جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام‌القری جهان اسلام و همچنین امام خمینی نیز با تأسیس نمودن حکومت مبتنی بر ولایت فقیه رهبر جهان اسلام می‌باشد (Massoudifar,2004:117). بنابراین حکومت ایران باید علاوه بر توجه به منافع ملی خود به منافع جهان اسلام نیز توجه نماید و آن را در سیاست‌های خود اعمال نماید و دیگر کشورها نیز وظیف دارند تا ایران را به عنوان ام‌القرای جهان اسلام مورد حمایت خود قرار دهند (Hafeznia,2013:91). در برابر این نگرش، نگرش عثمانی‌گرایی ترکیه نیز قرار گرفته است. در کل می‌توان بیان نمود که نوعثمانی‌گری در دوره حزب عدالت و توسعه به عنوان سیاستی در نظر گرفته شده است که تکیه بر بازتولید برخی از تجربه‌های کاربردی در دوران امپراتوری عثمانی و زنده نمودن عظمت ترکیه نوین با تکیه کردن بر مفروضات تولید شده از کارآمدی رویکرد دولت عثمانی در دوره تنظیمات می‌باشد. اولین بار یونانی‌ها در زمان اشغال یک سوم قبرس از سوی ارتش ترکیه از این عبارت استفاده نمودند. اولین گام‌ها جهت زنده نمودن

عثمانی‌گری جدید در دوران تورگوت اوزال (دهه ۱۹۹۰) برداشته شده است که با مرگ وی نیز ناموفق باقی ماند. ولی بار دیگر با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه به‌ویژه با انتخاب داوود اوغلو به سمت وزارت خارجه (۲۰۰۹) به صورت جدی این موضوع مطرح شده است. بنابراین می‌توان مشاهده نمود که یکی از نقش‌های راهبردی بلند مدتی که باعث افزایش رقابت بین دو کشور ایران و ترکیه شده است رهبری منطقه می‌باشد. در مورد رهبری جهان اسلام است که همچنان بر مبنای فرهنگ «خلیفه» یا «امام» می‌باشد و این نگرش و اعتقاد وجود دارد که در دنیای اسلام باید کشوری و شخصی نقش رهبری مسلمین را برعهده داشته باشد. بنابراین طی دهه‌های اخیر بین کشورهایی مانند مصر، عربستان، ترکیه، عراق، ایران، سوریه و لیبی بر سر رهبری جهان اسلام اختلاف نظرهای قابل توجهی وجود داشته است. واقعیت امر این موضوع است که کشور ترکیه خود را به عنوان رهبر جهان اسلام در نظر دارد و فعالیت‌ها و عملکردهای آن در کشورهای اسلامی گسترده شده است که بعضی ادعا می‌کنند اردوغان «ناصر جدید» است (Atimes, 2017). اگرچه که ترکیه برای دوری نمودن از افزایش واکنش دیگران به این موضوع سعی نموده است تا آن را کمتر به جهانیان اعلام نماید و بیشتر اقدامات مورد نظر در این چارچوب را اعمال نماید. از سویی دیگر جمهوری اسلامی ایران نیز خود را به عنوان رهبر مسلمین جهان و نیز ام‌القری و مرکز جهان اسلام و ضامن سعادت و حتی بقای کل اسلام به دیگران معرفی نموده است. نقش‌های ترکیه و ایران در دوره حزب و عدالت توسعه از آنجایی که در صدد ایفای نقش رهبری در فضای جغرافیایی یکسان همچون منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، قفقاز و آسیای مرکزی می‌باشند، با یکدیگر تعارض آشکاری پیدا نموده است (Niakoui, 2017: 34).

۴-۳-۴. تعارضات در حوزه پان ترکیسم: ایدئولوژی ملی‌گرایانه و توسعه‌خواهانه‌ای تحت عنوان پان‌ترکیسم مطرح شده است که بر اساس آن همه افرادی که به زبان ترکی صحبت می‌نمایند، ملت واحدی را تشکیل می‌دهند و باید تحت رهبری دولتی واحد متحد گردند (Yaghoubi Far, 2014: 970). باید بیان نمود که پان‌ترکیسم بیشتر به عنوان یک ابزار و وسیله سیاسی برای ترکیه می‌باشد. ترکیه به خصوص بعد از فروپاشی شوروی و استقلال

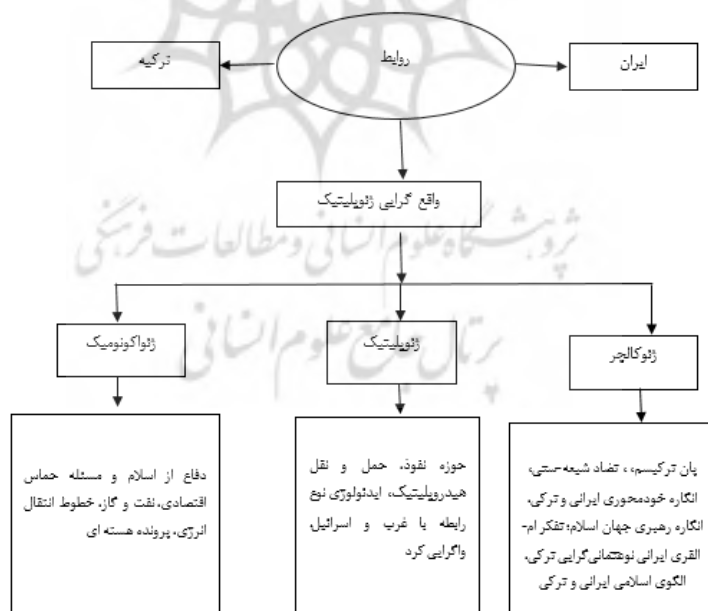
دولت‌های ترکی زبان مانند جمهوری آذربایجان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان، قزاقستان با مطرح نمودن شعارهای پان‌ترکیستی تلاش نموده است تا نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را در این کشورها در راستای افزایش نقش‌آفرینی قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی خود ایفا نماید. از سویی دیگر می‌توان بیان نمود با این گونه تبلیغات ترکیه تلاش نموده است تا با مطرح نمودن شعارهای پان‌ترکیستی و تقویت کردن گروه‌های شوروی‌نویستی از کشورهایی که دارای اقوام ترک زبان هستند، از این امر به عنوان یک اهرم فشار قوی علیه این دولت استفاده نموده و همچنین به عنوان یک موقعیت ممتاز در چانه‌زنی‌های سیاسی در راستای رسیدن به اهداف و منافع ملی خود بهره برداری نماید. ترکیه از موضوع ترک‌ها در روابط خود با کشور بلغارستان، روسیه و حتی چین حتی بهره برداری سیاسی می‌نماید. ایران نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد، به خصوص اینکه ترکیه دارای مرز طولانی و قابل توجهی با استان‌های ترک‌نشین ایران می‌باشد و به دلیل نوع روابط خود با ایران به خصوص با توجه به تحریکاتی که از سوی رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا صورت می‌گیرد تلاش نموده است تا تحریکاتی در میان ترک‌نشین‌های ایرانی پدید آورد. در این راستا حمایت نمودن از مطبوعاتی که به صورت خواسته و یا ناخواسته مسائل قومی را به صورت افراطی مطرح می‌نمایند و حمایت نمودن از گروه‌های شووینستی که در راس سیاست‌های ترکیه در این خصوص قرار دارند مودر توجه قرار گرفته است. موضع گیری غالب گروه‌ها و احزاب پان‌ترکیستی عمدتاً به صورت عمده تا علیه جمهوری اسلامی ایران است و کمتر از سایر کشورهای دیگر در این خصوص صحبت شده است. در چنین موقعیتی این یک امر طبیعی می‌باشد که ایران نسبت به نفوذ هرچه بیشتر در منطقه قفقاز و رواج تفکرات مرتبط با پان‌ترکیست حساسیت بیشتری را از خود نشان دهد و این موضوع را برای منافع و اهداف امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود تنش‌زا در نظر داشته باشد. بنابراین می‌توان گفت روابط بین آنکارا و تهران نه تنها در گذشته بلکه در آینده نیز در چهارچوب رقابت و همکاری قابل تعریف خواهد بود. به عقیده ایران نفوذ بیش از حد ترک‌ها در جمهوری آذربایجان و مطرح نمودن مسئله پان‌ترکیسم در دروه حزب عدالت توسعه برای امنیت جمهوری اسلامی

ایران تنش‌زا بوده و سبب افزایش احساسات ملی‌گرایی و مطرح نمودن جدایی استان آذربایجان ایران و وحدت به اصطلاح هر دو آذربایجان می‌شود.

۴-۳-۵ تعارضات در حوزه شیعه-سنی: ایران تحت عنوان یک قدرت منطقه‌ای بعد از حمله آمریکا به عراق، با افزایش پیوندهای تاریخی و مذهبی با ملت عراق، برای تثبیت نمودن نقش سیاسی و امنیتی خود، در راستای ایجاد کردن ائتلاف‌های نوین در سطح دولتی و غیردولتی تلاش بسزایی نموده است. با توجه به اینکه در جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان و اسرائیل در سال ۲۰۰۶ که باعث پدید آمدن حزب‌الله در سطح منطقه شد؛ افزایش دامنه نفوذ و نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در تحولات منطقه ای خاورمیانه را به همراه داشته است. این موضوع نیز سبب شده است تا نهادهای سیاسی-امنیتی ترکیه نسبت به بالابردن قدرت و نفوذ شیعیان براساس دیدگاه «محور مقاومت شیعی»، مانند فتح نمودن بغداد توسط شاه اسماعیل صفوی در سال ۱۵۰۸ میلادی، اظهار نگرانی نمایند. بنابراین، ترکیه بعد از سرنگونی صدام از سال ۲۰۰۷ با استفاده از زمینه‌های اجتماعی پدید آمده در منطقه و نزدیک‌تر نمودن روابط خود با کردها و سنی‌نشینان، در راستای ضعیف نمودن دولت شیعی عراق حرکت نموده است (Rezaei, 2016: 84). از سال ۲۰۱۰ نیز به دلیل ادامه جنگ داخلی در کشور عراق و سوریه و در سال ۲۰۱۴ قدرت یافتن داعش، تهدیدات روبه افزایشی علیه شیعیان و شیعه‌هراسی در ترکیه انجام شده است که البته این تهدیدات به شدت دوران عثمانی نبود؛ در عین حال، در طول سال‌های اخیر برنامه‌ها و تبلیغات وسیعی در ترکیه برای افزایش اختلاف‌افکنی میان شیعیان و سنیان، فارس‌ها و ترک‌ها و همچنین افزایش نفرت نسبت به جمهوری اسلامی ایران انجام شده است. بنابراین می‌توان بیان نمود که یکی از مولفه‌های سیاست خارجی ترکیه که بعضی از تحلیلگران اعتقاد دارند اردوغان در دوره حزب عدالت و توسعه در دستور کار خود قرار داده است، افزایش فرقه‌گرایی سنی و پیوند دادن این موضوع با توسعه‌طلبی ارضی می‌باشد. در میانه ماه دسامبر ۲۰۱۵، آنکارا از اتحاد نظامی ۳۴ کشور سنی به رهبری عربستان سعودی علیه یمن استقبال قابل توجهی نمود. از سوی بسیاری از تحلیلگران سیاسی این سیاست تحت عنوان یک ائتلاف سنی با هدف کاستن از میزان نفوذ منطقه‌ای ایران در نظر گرفته شد که در این راستا، ترکیه قصد دارد

ادعای خود را به عنوان وزنه متعادل کننده سنی تاریخی در برابر ایران حفظ نماید (Candar, 2016: 5). مواضع اردوغان طی چند سال اخیر به خوبی نشان دهنده این موضوع است که استفاده نمودن از چنین نگرشی در واقع تنها انتخابی در همراه کردن با نیازهای سیاست خارجی ترکیه می باشد. بنابراین تا آنجا که به تهران مرتبط است، تنش های موجود در سوریه نتیجه «توطئه غرب برای تضعیف محور مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی (اسرائیل)» می باشد. از نقطه نظر جمهوری اسلامی ایران، ترکیه با هماهنگی عربستان، قطر و ایالات متحده آمریکا تلاش نموده است تا متحد مورد اعتماد ایران در سوریه را سرنگون سازد. این مسئله موجب شده است تا ایران با ترکیه مخالفت کند و شکافی بزرگ بین تهران و آنکارا ایجاد گردد (Aras & Yorulmazlar, 2014: 112). در کل رقابت و تضاد شیعه و سنی سبب گسترش فضای افراطی در منطقه خاورمیانه می شود که با توجه به وجود اقلیت سنی در جمهوری اسلامی ایران و جمعیت شیعه در ترکیه، امنیت دو کشور با مخاطره مواجه خواهد شد.

شکل (۲): نمودار مدل روابط ایران و ترکیه براساس مفهوم ساختار ژئوپلیتیکی

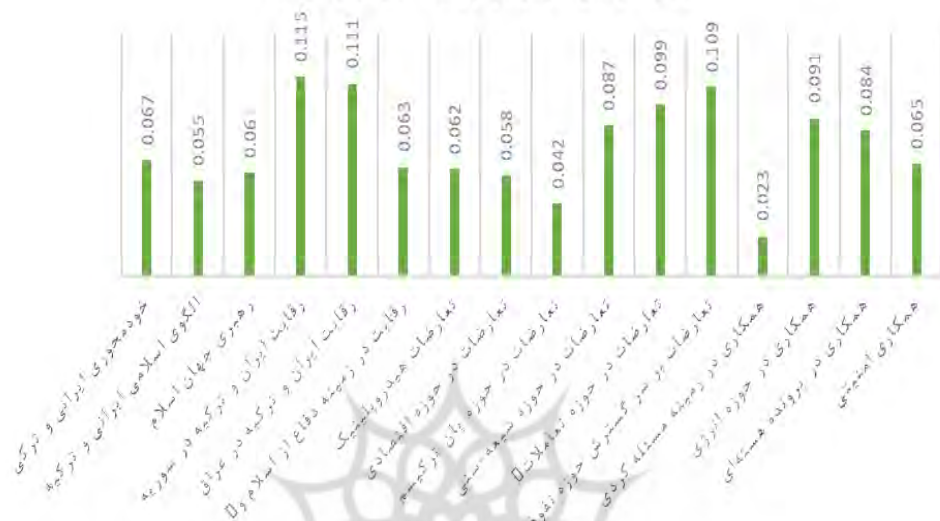


(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۸)

۴-۴. تجزیه و تحلیل

وزن عوامل موثر از طریق تحلیل سلسله مراتبی و با روش مقایسات زوجی AHP مورد بررسی قرار گرفته است. در این روش، برای وزن دهی به شاخص‌ها نسبت به هم از طریق مجموعه‌ای از محاسبات عددی، در قالب تحلیل سلسله مراتبی با استفاده از اطلاعات ماتریس‌های مقایسات زوجی انجام شده است. لازم به ذکر است که نرخ سازگاری بدست آمده در این مقایسات برابر با ۰,۰۳ است. با توجه به اینکه از ۰,۱ کمتر است بر این اساس می‌توان گفت داده‌های جمع آوری شده برای وزن دهی از نرخ سازگاری بالایی برخوردار می‌باشد. نتایج بدست آمده از این طریق در نمودار (۱) آورده شده است. همانگونه که نتایج ناشی از AHP نشان می‌دهد رقابت ایران و ترکیه در سوریه با وزن (۰,۱۱۵)، رقابت ایران و ترکیه در عراق (۰,۱۱۱) و تعارضات بر سر حوزه نفوذ (۰,۱۰۹) دارای بیشترین وضع هستند این امر نشان دهنده این است که دو کشور دارای تعارضات گسترده و بنیادینی در زمینه استراتژی، راهبر و تاکتیک هستند. زیرا رقابت بر سر سوریه نشان دهنده اهمیت این منطقه برای ایران و ترکیه است اما تضاد منافع و اهداف ملی سبب شده است تا دو کشور در این منطقه در مقابل یکدیگر قرار گیرند و براساس استراتژی‌های منطقه‌ای خود که در راستای افزایش میزان قدرت می‌باشد گام بردارند. از سویی دیگر حوزه نفوذ نیز نشان دهنده این است که هر دو کشور در اصول بنیادینی مرتبط با قدرت ملی و منطقه‌ای خود دارای تعارضات آشکاری هستند و به صورت همه جانبه برای افزایش این عامل تلاش می‌کنند و همین موضوع سبب شده است تا در زمینه حوزه نفوذ نیز دارای تعارضات و رقابت‌های قابل توجهی با یکدیگر باشند.

وزن عوامل موثر بر روابط ایران و ترکیه



۵. نتیجه گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین عوامل موثر بر روابط ایران و ترکیه عوامل رقابتی از جمله رقابت بر سر سوریه، عراق و حوزه نفوذ از بالاترین درجه اهمیت برخوردار هستند و این امر نشان دهنده این موضوع است که در آینده می‌توان شاهد گسترده تر شدن تعارضات ایدئولوژیکی و ... در این مناطق شد. از سویی دیگر عواملی مانند همکاری در پرونده هسته‌ای و همکاری در حوزه انرژی می‌تواند از عوامل تاثیرگذار بهبود و وابستگی دو کشور ایران و ترکیه در طول زمان باشد. در واقع می‌توان بیان نمود که روابط ایران ترکیه در بستری از واقعیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک جاری است. این بستر متناسب با شرایط و ویژگی‌های خود در هر زمان و موقعیتی گونه‌ای از روابط را در میان دو کشور جلوه گر می‌کند. در حالت عادی ایران و ترکیه به عنوان دو قدرت هم سطح همسایه در حالتی میان رقابت و همکاری باهم قرار دارند. این دو کشور در قالب همکاری اقتصادی، ترانزیت کالا و مسافر، همکاری امنیتی در مورد موضوع جدایی طلبی کرد با هم همکاری می‌کنند، اما در مواردی مانند گسترش حوزه نفوذ در مناطق ژئوپلیتیک پیرامون، رهبری جهان اسلام، رقابت مذهبی، بازارهای کشورهای همسایه به رقابت با همدیگر

می‌پردازند. از این‌رو نمی‌توان روابط میان این دو کشور را در یک مسیر صاف و هموار پیگیری کرد، بلکه بسته به عرصه‌های مختلف ژئوپلیتیک روابط دو کشور تحت تاثیر قرار می‌گیرند به عبارت دیگر آنها در عین رقابت در رابطه با حوزه نفوذ در مورد امنیت و ثبات سیاسی دولت‌های هم‌دیگر همکاری دارند. برای نمونه حمایت ایران از اردوغان در کوتای گولنیست‌ها و حمایت ترکیه از جمهوری اسلامی در ناآرامی‌های سیاسی در عین رقابت در سوریه، عراق و کردستان گویای این امر است. اما نکته‌ای که ممکن است روابط پایدار اما پرفراز و نشیب دو کشور را تحت تاثیر قرار داده و آن را در مسیری خارج از واقع‌گرایی ژئوپلیتیک پیش‌برود ایدئولوژی به عرصه روابط میان دو کشور است، امری که ممکن است روابط میان دو کشور را از همکاری و رقابت به سوی کشمکش هدایت کند. این موضوع بویژه با نگاهی تاریخی به روابط ایدئولوژیک پایه دو کشور در دوران صفویه گویای آن است. در شرایط امروز نیز پیرنگ شدن سیاست نئوعثمانگری در سیاست خارجی ترکیه و تلاش برای بسط نفوذ ترکیه در قلمرو تاریخی امپراتوری عثمانی در مناطق مانند شمال آفریقا، شامات، عراق و قفقاز و نیز تلاش ایران برای هم‌گرا نمودن کشورهایمانند عراق، سوریه، لبنان و یمن به گونه‌ای دو کشور را درگیر جنگ نیابتی کرده و گاهی به موضع‌گیری‌های تند مقامات دو کشور علیه یکدیگر منجر شده است. این امر زمانی تشدید می‌شود دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هم در روابط دو کشور ایفای نقش نمایند که می‌تواند بر تشدید تنش‌ها میان دو کشور منجر شود. از این‌رو می‌توان گفت در راستای الزامات ژئوپلیتیک روابط دو کشور در طیفی از همکاری و رقابت جریان خواهد یافت اما در ورود عناصر خارج از ژئوپلیتیک مانند ایدئولوژی و دخالت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای این روابط را به سوی تنش پیش خواهد برد.

۶. تشکر و قدرانی

در اینجا لازم می‌دانیم از دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی که امکان انجام این پژوهش را در قالب رساله دکتری فراهم آوردند سپاس‌گزاری نماییم.

References

1. Ahmadian, ghodrat, Farhad, Karamian, Reza Karam. (2016). The Identity and Foreign Policy of the Middle East in Iran and Turkey in Syria, *Global Politics*, 5(4). [In Persian]
2. Ahmadipour, Zahra, Lashkari, Ehsan. (2015). The Geographical Philosophy of Continuing Competition in Post-Cold War International Relations, *Geographical Research Quarterly*, 29(3). [In Persian]
3. Ahmadipour, Zahra, Mousavi Shafaie, Masoud, Pordast, Zahra (2019). Analysis of Iran-Turkey competition in the Syrian crisis, *Geopolitics Quarterly*, Vol. 3, No. 3 [In Persian]
4. Ahmadipour, Zahra, Bidar, Mohammad Taher (2015). The Impact of US Strategy on the Transformations of Iraqi Kurdistan From 1971 to 2014, *Geopolitical Quarterly*, Fourteenth Year, No. 2, Summer 2015. [In Persian]
5. Afzali, Rasool and Afshin Motaghi. (2013). A Geopolitical Study of Moderate Islamism in Turkish Foreign Policy from 1995 to 2011, with a Constructivist Approach, *Journal of Foreign Relations*, 3(4):PP 175-202. [In Persian]
6. Azgandi, Alireza. (2010). *Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Ghooms Publications.
7. Atimes (2017) "Turkey and the Rohingyas: Erdogan as global Muslim leader" online at: <http://www.atimes.com/article/turkey-rohingyas-erdogan-global-muslim-leader/>. [In Persian]
8. Aras, B. (2009). "The Davutoglu Era in Turkish Foreign Policy", *Insight Turkey*, 11(3).
9. AKP, *Turkish Foreign Policy Quarterly*, December Winrow, Gareth M. (2004), "Turkey and East-West Gas Transportation Corridor", *Turkish Studies*, 5(2).
10. Abdollah Khani, Ali (2004). *Security Theories: An Introduction to Designing a National Security Doctrine (I)*, Tehran: Institute for Contemporary Studies and Research, Tehran Abroad, 2004, Volume I. [In Persian]
11. Absentee, Mohammad Reza. (2015). The Political Economy of Iran-Turkey Relations During the Rule of the AKP, *Foreign Policy Quarterly*, 3(2). [In Persian]
12. Babali, T(2012/ March), "The Role of Energy in Turkey's Relations with Russia and Iran", Paper Prepared for an International Workshop "The Turkey, Russia, Iran Nexus: Economic and Energy Dimensions, organized by TEPAV: Ankara
13. Brooks, Steve & Wohlforth, Bill (2008) *World out of balance, International Relations and Challenge of American Primacy*, Prinseton
14. Cohen, J.A., (1991). International Law and the water politicsv of Euphrates, *Journal of International Law and Politics*, 24, 1991
15. Coser, Lewis A (1956). *The Functions of Social Conflict*, New York: The Free Press

16. Çandar, Cengiz (2016). "Has Turkey's Regional Power Grab Come to an End?", *Al Monitor*, January 7, available at: <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/01/turkey-saudi-arabia-ankara-try-reclaim-regional-supremacy.html>.
17. CBoI (2013). "Iran Central Bank Annual Review Report 2011-2012". Cetinguelc, Mehmet (2016/ February 8), "How Turkey's Foreign Policy May Have Lost it \$25 Billion in Trade with Iran", available at: <http://www.almonitor.com/pulse/originals/2016/02/turkey-iran-trade-deal-prove-hugedisappointment.html>
18. Dougherty, James E. and Robert L. Pfaltzgraff (1981). *Contending Theories of International Relations*, Longman Higher Education.
19. Davutoglu, Ahmet, (2001). *Stratejik Derinlik*, Istanbul, Kure Yayınları. Erdogan, Recep Tayyip, (2011), "Seçim Sonrası Başbakan'ın Balkon Konuşması," in *En Son Habar*, 2013/5/4, Retrieved from: <http://www.ensonhaber.com/secim-sonrasi-basbakanin-balkon-konusmasi-2011-06-12.html>.
20. Danforth, Nick (2016). "Turkey's New Maps Are Reclaiming the Ottoman Empire", *Foreign Policy*, October 23, available at: <http://foreignpolicy.com/2016/10/23/turkeys-religious-nationalists-want-ottoman-borders-iraq-erdogan/>.
21. Islami, Massoud, Shams Abadi, Jamshid (2019). Failure factors of Iraqi Kurdistan's separation referendum, *Geopolitics Quarterly* 14(3). [In Persian]
22. Falah, mercy of Allah. (2013). Turkey's Strategic Goals and Challenges in Syrian Developments. [In Persian]
23. Fuller, Graham. (1995). *Qibla Alam, Iranian Geopolitics*, Translated by Abbas Mokhbar, Center Publishing.
24. Farhi, David. (2004). *Political system and government in Islam*, Tehran: Humanities textbooks organization. [In Persian]
25. Reflections on EU–Turkey Relations. in Seçil Paçacı Elitok and Thomas Straubhaar (eds.). *Turkey, Migration and the EU: Potentials, Challenges and Idiz*, Selim, "The 'Sunnification' of Turkish Foreign Policy," *Turkey Pulse*, *Al-Monitor*.
26. Hafeznia, Mohammad Reza. (2003). *The Political Geography of Iran*, Khome Publications. [In Persian]
27. Hafez Nia, Mohammad Reza, Zahra Ahmadi Pour and Chamran Bouyeh. (2013). The Islamic Revolution and the New Geopolitics of Iran, *Journal of the Islamic Revolution*, 2(5): pp. 23-1. [In Persian]
28. Hosseini, Seyyed Motahareh, Ebrahimi, Talib, Shah Qala, Safi Allah. (2014). The West's Look at Turkish Foreign Policy During the AKP (2002-2012). *Islamic World Studies Quarterly*, 1(3). [In Persian]
29. Jan Parvar, Mohsen, Ghorbani, Arash, Khodadad, Mehdi. (2017). Analyzing the Geopolitical Position of Islamic Iran as a Regional Power Supporter in the World System, *Policy Research* 4(7): pp. 78-53. [In Persian]

30. Khalili Nejad Kashkouki, Ruhollah; Dehshiar, Hussein. (2017). Syria Crisis and Turkish National Security, *Islamic World Political Research Quarterly*, 7(2): pp. 140-10. **[In Persian]**
31. Kolaee, Goddess, Goodarzi, Mahnaz. (2016). The Impact of Armenia-Turkey Relations on Armenian-Iranian Relations, *Geopolitics Quarterly*, 19(1): pp. 70-38. **[In Persian]**
32. Gohari Moghaddam, Abu Dharr Maddloo, Ramin. (2016). The Roots of Ottomanism in Turkish Foreign Policy (2002-2015), *Strategic Policy Research Quarterly*, 5(17), Summer 2016 (consecutive issue 47). **[In Persian]**
33. Larijani, Mohammad Javad. (1997). Islamic State and Political Borders, *Islamic State Quarterly*, Issue 2, Winter. **[In Persian]**
34. Lotfi, Mena. (2010). The Gullen Movement; Social Islam with Political Islam of the Taqiyyat, *Rasakhoun Website*, July 3, 2009, Available at: <http://rasekhoun.net/article/print-31704.aspx>. **[In Persian]**
35. Ghorbani Nejad, Ribaz, Hafez Nia, Mohammad Reza, Ahmadipour, Zahra, Qavam, Abdolali. (2015). Investigating the Concept of Conflict in the Theories of International and Geopolitical Relations, *Strategic Quarterly*, 20, No. 70. **[In Persian]**
36. Guoji, Guanxi (2001). Security Dilemma, Balance of Power, Contemporary International Relations, available at: www.uscc.gov/researchpapers, (accessed on 12/10/2011).
37. Guzansky, Yoel & Lindenstrauss, Gallia (2011). "Turkey and Iran: The Politics of Strange Bedfellows", *Strategic Assessment*, Vol. 14, No. 1
38. Özcan, Nihat Ali & Özdamar, Özgür (2009). "Smarter Energy", *Insight Turkey*, Vol. 12, No. 3. "Iran's Nuclear Program and Future of U.S.-Iranian Relations", *Middle East Policy*, 16(1): pp. 121-133.
39. Ögütçü, Mehmet (2012). "Turkey and Changing Dynamics of World Energy: Towards Cleaner
40. Motaghi, Afshin and Mustafa Rashidi. (2014). Geopolitical Explanation of Islamist Patterns in the Islamic World from the Perspective of Constructivism, *Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies*, Volume 10, Issue, Fall, pp. 108-91. **[In Persian]**
41. Massoudifar, Jalil. (2004). Preserving Iranian-Islamic Culture in the Process of Globalization, *Qom: Proceedings of the Conference on Globalization and Religion*. **[In Persian]**
42. Masoudnia, Hussein, Najafi, Davood. (2012). Turkey's New Foreign Policy and Security Threats to the Islamic Republic of Iran, *Afaq Security Quarterly*, 3(13), Winter 2011. **[In Persian]**
43. Moshirzadeh, Homeyra (2009). Transformation in International Relations Theories, Tehran: Position. **[In Persian]**

44. Mohammadi, Hamid Reza, Tahereh Mirzaeipour and Reza Hosseinpour Pouyan. (2013). Hydropolytic Spatial Analysis of the Tigris and Euphrates Basin, Iranian Journal of Geographical Association, New Volume, No. 35. **[In Persian]**
45. Mokhtari Hashi, Hossein and Hamid Reza Nosrati. (2011). Energy Security and Geoenergetic Situation of Iran, 6(18): pp. 124-95. **[In Persian]**
46. Mokhtari Hashi, Hossein, Mostafa Ghaderi Hajat, (2009). Hydropolitics of the Middle East in Horizon 2025: A Case Study: Tigris and Euphrates Basins, Jordan River Nile Entry, Geopolitics Quarterly, No. 1, Baharf PP 74-36. **[In Persian]**
47. Morgenthau, Hans J. (2011). Politics among Nations, State Department Publications.
48. Mousaghi, Ahmad and Alizadeh, Shiva. (2013). Turkey's developmentist foreign policy in the course of the Justice and Development Party; Case of Caucasus, Central Eurasia Studies. 7(2). **[In Persian]**
49. Maghroori, R and Ramberg, B eds (1982). Globalism vs realism. Boulder, co: westviewpress. **[In Persian]**
50. Niakoui, Sidamir and Vida Haji. (2017). The Impact of Arab Middle East Rise on Iran-Turkey Relations Pattern (2017-2011), Journal of International Relations Research, No. 25, Fall, pp. 119-91. **[In Persian]**
51. Nahazi, Ghulam Hussein. (2000). Water crisis in the Middle East, Center for Middle East Strategic Studies. **[In Persian]**
52. Park, Bill (2014). "Turkey-Kurdish Regional Government Relations after the U.S. Withdrawal from Iraq: Putting the Kurds on the Map?", Strategic Studies Institute and U.S. Army War College Press, March
53. Rezaei, Masoud (2016), "The Problem of Continued Strategic Shift in Turkey's Foreign Policy", Iran Review, Monday, August 29, available at: <http://www.iranreview.org/content/Documents/The-Problem-of-ContinuedStrategic-Shift-in-Turkey-s-Foreign-Policy.htm>. **[In Persian]**
54. Rohi, Mjid (2018). Geopolitical Analysis of Iran-Turkey Competition Affected by Middle East Developments Since 2011, The Geopolitical Quarterly, 14(1), Spring 2018.
55. Tremblay, Pinar (2014). Turkish Shiites Fear Growing Hate Crimes, Al Monitor, July 11, available at: <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2014/07/tremblayturkish-shiites-secterian-hate-crime-isis-syria.html>.
56. Shokouhi, Hussein. (1995). Philosophy of Geography, Geology Publishing. **[In Persian]**
57. Sadeghi, Sayed Shamsuddin. (1998). Hydropolytic and Water Crisis with Future Challenges in the Middle East and the Persian Gulf, Political-Economic Information, Eleventh Year, No. 116-115, April and May 1997. **[In Persian]**
58. Yari, Ehsan, Esfandiari, Mehdi. (2018). American Geopolitical School and the Regional Geopolitical Network of the New Structure of the International System,

- Journal of Politics, Journal of the Faculty of Law and Political Science, Volume 48, Number 3, Autumn 1977, pp. 833-809. **[In Persian]**
59. Yaghoubi Far, Hamed. (2014). The Typology of Turkish Foreign Policy in the Middle East, Journal of Foreign Policy, 27(4): pp. 987-965. **[In Persian]**
60. Yegin, Mehmet and Selim Ozertem, Hasan (2013). "Turkey-Iraq Relations: from Close Partners to Adversaries", Washington DC: The German Marshall Fund of the United States, January 7. **[In Persian]**
61. Zanotti, Jim (2012), "Turkey: Background and U.S. Relations", Specialist in Middle Eastern Affairs, 8(6).
62. WTO (2013), "Trade Profiles 2012".

